

سفرمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

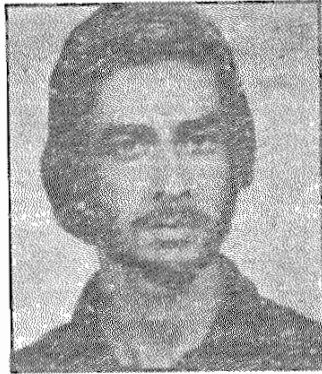
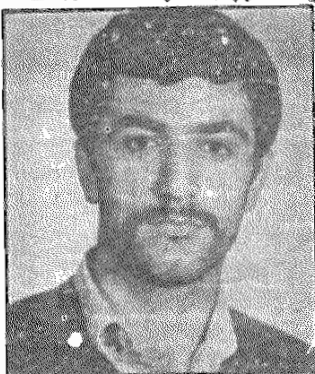
سال دوم - دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۵۹

انفجار را نبار را ه سازی گیسرا ن بیش از صدها کشته ومجروح از بین زحمتکشان ما برجای گذاشت. درجا معه طبقاتی، این کارگران وزحمتکشان هستند که از خون وعرقشان زندگی بهشت واربریای سرما یه داران فرا هم میشود و با زهمان زحمتکشان هستند که تا وان مسامحه کار ریا و لاقیدیهای سرما یه داران را با جان خود میپردا زند. مسامحه کار ریهائی که دقیقاً از نگرش سرما یه داران نسبت به جان کارگران و بی ارزش دانستن آن ناشی میشود.

ما این ضایعه را به طبقه کارگران و به خانواده های آن زحمتکشان تسلیمت میگوئیم و برای نابودی هرگونه ستمی از طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان تایای جان مبارزه میکنیم. این پیمان ماست.

پیکارگران قهرمان رفقا:

مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی



بدست رژیم جمهوری اسلامی ترور شدند

زنده باد پیکار توده ها!

مستفاتی از اعلامیه ما زمان دربار و ترور جنا پیکار را نه رفقای پیکارگر تقیه در صفحه ۹

رزمندگان و

مسئله روپز نوپیسیم و سوسیال امپریالیسم شوروی

صفحه ۱۷ (قسمت دوم)

در صفحات دیگر این شماره:

- ۱۲ پاسخ به نامه ها
- ۱۱ دست ارتجاع از مراکز آموزشی کوتاه
- ۵ شهدای خلق در قلب زحمتکشان زنده اند
- ۴ مبارزه و پیروزی کارگران گروه صنعتی کفش ملی
- ۱۶ مراسم بزرگداشت یاد رفقای شهید مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی

موضع گیری انقلابی در برابر هیئت حاکمه و سخنی مکرر با مجاهدین خلق

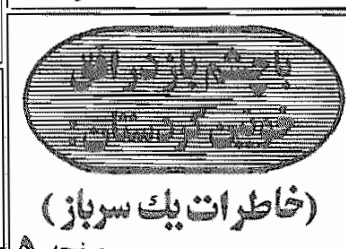
با تعیین رجائی به نخست وزیری، حزب جمهوری اسلامی یک گام دیگر در کسب قدرت بیشتر به جلو پها دور رقابله "لیبرالها" ومنجمله بنی صدر یک گام دیگر در برابر سرحریف قلدر و پر قدرت خوش به عقب نشینی وادار شدند.

اکنون بنی صدر با تمام ماهیوی و تا کتیکها پیش به آستانه مرحله ای نقشی نبرده که آب با سعادت بهر حزب جمهوری اسلامی در سوای جمهوری اسلامی سموده است. یعنی نفس اجرا کسده اده، مدالها و امتحان مکارها! سوارات این صردر کسری و ترور و ترور حزب جمهوری اسلامی خط سرکوب که خط حزب است در برابر خط سرکوب و رفرم (و اسحاق و بان شریعتی) "لیبرالها" صفحه در صفحه ۸

رفسنجانی، امپریالیستهای غرب و ژاپن راه اتحاد در برابر کمونیسم دعوت کرد

ار قدم گفته اند: "کوبا کیستم تا کسوم با کیستی". کسها ۲۸ مرداد را قبول رفسنجانی، رئیس "مجلس شورای اسلامی" عمل میکند که وی در ملایط با بقصرای کشورهای اسالیا، بلژیک، هلند و ژاپن آنها راه اتحاد در برابر کمونیسم فرا خوانده است.

اسکه جمهوری اسلامی ایران به سنجا خواهد ستا در هم خوردن و منطانی شدن نظام امپریالیستی جهانی



صفحه ۵

امپریالیسم در گرداب بحران اقتصادی ایستادگان: رشد مبارزه طبقاتی و رسوایی روپز نوپیسیم! صفحه ۷

تعطیل کردن دانشگاهها، خدمت به امپریالیسم است

دانشگاه سنگرزادی، علیه رفم خواست ارتجاع پیوسته در دل خود دا نشجویان انقلابی و مترقی را می ترور اند. دانشگاه همواره زاصلی ترین و مهمترین کانونهای مبارزه با امپریالیسم، ارتجاع و دیکتاتوری بوده است. مردم مهی ما طی سالها حاکمیت رژیم دیکتاتوری و استبداد امپریالیسم شاه، شا عد مبارزات خونین و انقلابی دا نشجویان ما رژیم شاه بوده اند. این مبارزات که حول دمساع ارتجاع شده های زحمتکشان انجام میگرفت توانست در روند روپز نوپیسیم محکمی بین دا نشجویان و زحمتکشان برقرار کند. به همین خاطر هم سرای دا نشجویان و هم سرای کارگران وزحمتکشان ما، دا نگاه پیوسته سنگرزادی و آزادی و مرکز آکا هی تقیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

پیکار

بقیه از صفحه ۱

تعطیل ...

و آگاهی بخشی بوده و می تواند بدرستی میتوان گفت که چه قبل از قیام و چه بعد از آن دانشگاه همواره یکی از مراکز مهم فعالیتها و آگاهی ها در نهادهای انقلابی و کمونیستها در جهت دفاع از منافع رحمتکشان میهن ما و افشاکاری بر علیه نیروهای ارتجاعی و ضد خلقی بوده است و تمام این فعالیتها نیز خود در خدمت تجدید و تحکیم پیوند بین نیروهای انقلابی و سوبیزه کمو نیستند با زحمتکشان قرار داده شده است. اکنون ببینیم رژیم جمهوری اسلامی چرا دانشگاهها را به تعطیلی می کشاند؟

رژیم جمهوری اسلامی به دنبال با صلاح انقلاب فرهنگی اش که به شهادت دهه های تن وزخی و زندانی شدن دهه های از دانشجویان انقلابی بدست مزدوران اش انجامید، از تنها چگسترده به دانشگاهها دود هدف راندن سال میکرد:

۱- حمله به دفاتر نیروهای انقلابی و مترقی، جلوگیری از فعالیتها و آگاهی ها در آنها و افشاکرانه آنها، تضعیف و زهم گستن پیوند بین نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش.

یورش خونین و وحشیانه ساداران ارتجاع و اوباش وقتا ره بندهان جمهوری اسلامی در اوایل اردیبهشت اولین قسمت از ساریوی خدمردمی با صلاح انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی بود. همزمان بودن این یورش با تدارک حمله مجدد رژیم به کردستان، نشان مبداءیکه جمهوری اسلامی تنها چگسترده ای به خلقها و آزادیهای دمکراتیک را در دستور کار خود قرار داده است. حمله سبب وجود این آزادیها بود که دانشگاهها را مرکز خراب جنش خلقها و سوبیزه خلق کرد و توده های زحمتکش ایران و افشاکاری علیه رژیم زیکسو، و حمایت و پشتیبانی همه حاکمیه نیروهای انقلابی بخصوص کمونیستها از مبارزات توده های زحمتکش و انعکاس و انتقال تجارب و دستاوردهای آن از سوی دیگر بود. این وضعیت نمی توانست برای رژیم قابل تحمل باشد. چرا که لازم بود رژیم برای سرکوب و کشتار مجدد خلق کرد و دیگر خلقها دانشگاهها را به سترگ آگاهی را مورد یورش قرار دهد تا صدای حق طلبانه و اخبار مبارزات عادلانه خلق کرد به گوش دیگر خلقها و توده های زحمتکش آگاه نرسد. آری رژیم برای اینکه دانشگاهها را بطور کامل تحت تسلط و کنترل خود در آورد، دانشگاهها را به خاک و خون کشید، دهها تن از دانشجویان انقلابی را در دانشگاهها و خارج از آن، به شهادت رساند و دهها تن از آنها را در زندانهای آریا مهری، محبوس ساخت تا بخش اول "انقلاب فرهنگی" و در حقیقت ضد انقلاب فرهنگی اش را با موفقیت به پایان رساند.

۲- تعطیل کردن دانشگاهها، در جهت تصفیه عناصر انقلابی و مترقی و تأمین حاکمیت فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده در آنجا.

بدنبال یورش وحشیانه به دانشگاهها، اکنون رژیم برای آنکه بتواند دانشگاهها را به قلب پرتپش انقلاب را از دانشجویان آگاه و انقلابی خنثی سازد اقدام به تعطیل آن نموده است. بدون شک تعطیل کردن این کانون مبارزه با امپریالیسم توسط رژیم نمیتواند نیش همیشه درتپش آنرا که وجود دانشجویان

انقلابی و کمونیست مسئولان است برای مدت محدود و یا محدودی از کاران ندارد. رژیم دانشگاهها را به تعطیلی میکشاند تا سرباهای استحکام مستقیم آموزشی ضد انقلابی خود فرهنگ ارتجاعی و سوبیزه را بر دانشگاهها کاملاً گرداند. بورژوازی سنا به مقتضیات و منافع طبقاتی خود، در پی آن است تا آنچنان عناصری را در دانشگاهها سروراند که آنها هم را نظراً به طولوزی و سببش مطیع رژیمها شوند و هم بتوا نندگرددش مستحار و رتجای مسورد نیا ز سرما به داری واسته را بعبه بگیرند. تحقق این برنامهنمیتواند انجام بگیرد، مگر با تصفیه و اخراج دانشجویان، استادان و از زمین بردن دیگر نهادهای انقلابی در دانشگاهها، زیکسو، وضدیت با افکار علمی و انقلابی از سوی دیگر.

با آمار رژیم خواهد توانست برای این اهداف ارتجاعی خودجا معمل سبوشاند و نظر ما خیر، ارتجاع درهای دانشگاهها را می بندد تا از دانشجو رورشا فکار انقلابی و کمونیستی جلوگیری نماید. اما او قادر کردن است

که درک نمیکند دانشجویان به هر طریقی که شده خود را به توده ها نزدیک میکنند. دانشگاهها گرسنه شده اند دانشجویان انقلابی به کارخانه ها، روستاها و محلات توده ای می رود. و وقتی دانشگاهها زنده و با روحیه و محلات توده ای می آید آزادی و آزادیگی تبدیل میسازند. کافیه است رژیم درهای دانشگاهها را باز کند، خواه میدید که علی رغم تمام تشنات ارتجاعی حکومتی و دوا رهبران سیال مبارزه طبقاتی در دانشگاهها جاری میشود. حاکمیه سربایه - داری واسته ایران سرشار از تشنات قضاوت و تضادهای رشدیافته طبقاتی است. از آنجا که مبارزه طبقاتی در دل جامعه جاری دارد این مبارزه در میان دانشجویان

بعنا به حساب ترین فتنه و شغرتان انجام میسازد. رژیم و بلافاصله دانشگاهها صحنه مبارزه طبقاتی میگردد. رژیم میخواد همساز مبارزه طبقاتی را در دانشگاهها هفقه کند اما او همانطور که نمیتواند جلوی مبارزات توده ها را در اجتماع بگیرد، تا سوان از سرکوب مبارزات دانشگاهها سبزی میسازد. دانشگاهها همواره یکی از پایه داران جنش انقلابی خلقها در ایران و در سراسر جهان بوده و می باشد بنا بر این علیرغم توطئه های رنگارنگ از کشتار و سرکوب دانشجویان انقلابی در اوایل اردیبهشت و تعطیل دانشگاهها و تصفیه عناصر انقلابی از آن گرفته تا تدوین برنامه برای تأمین حاکمیت فرهنگ

و بینش ارتجاعی و عقب مانده خود در مراکز آموزشی رژیم خواهد توانست دانشگاهها را تحت سطره خود در آورد و گریزی نخواهد داشت جز توسل به سرکوب و وحشیانه مداوم و حاکم گردانیدن اختناق پلیسی در دانشگاهها در جهت سرکوب جنش دانشجویی، در این حالت نیز با یادگفت، همانگونه که رژیم شاه نتوانست با گسیل داشتن ارتش و ساواک و شهریانی، جنش انقلابی دانشجویان را از هم بپاشد، رژیم جمهوری اسلامی نیز نخواهد توانست با توسل به حرب زور و دسیسه های متعدد تحت عناوین "انقلاب فرهنگی" جنش دانشجویی - جوئی را به شکست بکشاند. پس دانشگاهها همواره سنگر

آزادی و آزادیگی، آگاهی و آگاهی بخشی مانده و باقی خواهد ماند. و اکنون که رژیم جمهوری اسلامی، تصمیم به تعطیل این سنگر بوخا موش گردانیدن آتش مبارزات انقلابی آن گرفته است وظیفه دانشجویان انقلابی سوبیزه کمونیستها و توده های آگاه است که متحدان برای

دونکنه کوتاه

۱- رسانه های گروهی دولتی بگفته است که سیاست ضد فلسطینی رژیم را صریحاً مشخص میکنند. آیا توجه کرده اید که دولت غاصب و زورگرمیونیستهای نژادپرست و اشغالگر فلسطین را از "روز قدس" به بعد "دولت اشغالگر قدس" مینامند.

آقایان! خلق فلسطین برای سراسر میهن اش که قدس یکی از شهرهای آن است جنگیده و میجنگد! اگر برای آزادی فلسطین کاری نمیکند (و نخواهد کرد) لااقل در کار آنها خرابکاری نکنید!

زنبور درشت بی مروت را گوی

بازی چو عمل نمیدهی نیش نزن!

۲- فکر میکنید چرا قطب زاده، این پروزها چپ و راست نامه های "غلاف و شاد" به شوروی و عراق می فرستد و برای آنها خط و نشان میکشد؟

محکوم بودن سیاست شوروی و عراق از نظر توده های زحمتکش ایران و نیروهای انقلابی و کمونیست آن جای خود را در دولتی موضعگیری قطب زاده اساساً برای "خوبه" کردن پیش حزب جمهوری اسلامی است که با اصطلاح زمام کارها را در دست گرفته است، بلکه و همچنان در دست وزارت بی ثباتی بماند. موضع ضد شوروی قطب زاده هرگز بخاطر موضع استقلال طلبانه ای در آن نیست بلکه از سیاست دلجوئی از آمریکا با پیداست!

پسستان ...

دست طبقه کارگر و توده های در خدمت او، بلکه در قیاساً در دست بورژوازی و بر علیه طبقه کارگر است. این بورژوازی حاکم بر لهستان است که بنا به طبقه کارگر و سوسیالیسم کمر بسته و سرکوب طبقه کارگر و توده های سوسیالیست است. این رویزونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتورهای بورژوازی را اعمال میکنند. این بورژوازی حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتماد بین زده است.

رویدادهای اخیر لهستان علاوه بر اینکه بیانگر مقاومت طبقه کارگر در برابر برستم سرمایه و دشمنی آشتی - ناپذیرش با بورژوازی است، در عین حال هشدار است برای آن دسته از نیروهای مادی جنش کمونیستی ایران که مرزبندی روشنی با رویزونیسم و سوسیالیسم امپریالیسم ندارند و بین ما رکسیسم لنینیسم، زیکطرف رویزونیسم، ز طرف دیگر در نمانند. ما رکسیسم لنینیسم و رویزونیسم را هومی وجود ندارد. بیاید ما رکسیسم لنینیسم بود و بر علیه بورژوازی و با رویزونیسم و بر علیه طبقه کارگر، راه هومی وجود ندارد!

با زنگی آن به مبارزه همه جا نبه بر خیزند و در جهت خنثی کردن توطئه های ضد انقلابی رژیم حاکم طمانه مبارزه کنند.

به پیش در جهت فتح دوباره دانشگاهها، این سنگر آزادی!

رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرالهاست

جنبش کارگری



تحصن کارگران مبارز شهرداری مسجد سلیمان

چندی پیش شهرداری مسجد سلیمان اعلام کرد که :
 "کلیه کسانیکه دارای برگ یا بیان خدمت نیستند اخراج
 خواهند شد". علیرغم اینکه کارگران مبارز شهرداری در
 رابطه با اطلاعیه مذکور چیدرودست به تحصن زده و از
 خودمقاومت نشان دادند. ۸۰ نفر از کارگران اخراج شدند.
 هنوز مدت کوتاهی از اخراج ۸۰ کارگروان و
 زحمتکش نگذشته بود که سایه شوم ارتجاع بر زندگی بقیه
 کارگران شهرداری نیز سایه گسترده و نیکوروش شهرداری
 مزدور مسجد سلیمان طی بخشنامه مورخ ۵۹/۵/۶ اعلام
 کرد: " کلیه کارهای عمرانی اعم از ساختمان و غیره
 تعطیل اعلام می گردد، چنانچه کارکنان فوق به کار خود
 ادا مدهند شهرداری هیچ گونه تعهدی درمورد
 پرداخت دستمزد آنها نخواهد داشت. " کارگران شهرداری
 بی اعتنا به حکم صادره به سرکار خود رفتند و
 روز پنجشنبه ۵۹/۵/۱۶ با همان مقدار مصالحی که
 داشتند کار کردند. اما در این روز به علت تمام شدن
 مصالح ناگزیر دست از کار کشیدند. در ضمن در این مدت
 تعدادی از کارگران با تهیه پلاکار و دو حلقه آن در شهر
 دست به فضاگری زدند. روز شنبه ۵۹/۵/۱۸ حدود ۴۵۰
 نفر از کارگران قسمتهای عمرانی ساختمان در
 زمین چمن شهرداری که در گوی گلبرگی واقع شده
 بطور نیمه وقت متحصن شدند. (از ساعت ۱۲/۵ تا ۸ بجای
 در وقت اداری) کارگران در محل تحصن پلاکارهایی
 نصب کرده بودند که خواستهای آنها را بیان می کرد
 در خلال تحصن کارگران مبارز با سخنرانی و توضیح
 خواستهای سرخ خود و دادن شعار توطئه های دولت فد
 کارگری جمهوری اسلامی را افسان کرده و روحیه مقاومت
 جویانه خود را با لایم سردند.
 سرخی از شعارهای آنها عبارت بود از:
 ۱ - کارگرا خراجی سرسرا سابق ابقا با ندرود.
 ۲ - ماده ۳۳ الفبا بیدگردد.
 ۳ - کارکا را این است شعار بیکار.
 ۴ - بازوی هرکارگرسون انقلاب است،
 اخراجی کارگران بزرگترین گناه است
 ... - ۵
 کارگران مبارز تا روز چهارشنبه ۵۹/۵/۲۲ به
 تحصن نیمه وقت خود ادامه داده اند و از آن پس به
 احتمال زیاد به تحصن تمام وقت بنشینند.
 در رابطه با اخراج این کارگران مبارز، هواداران
 سازمان در مسجد سلیمان اعلامیه ای منتشر کرده اند که
 در قسمتهایی از آن آمده است:
 "یکسال و نیم از حکومت جمهوری اسلامی میگذرد و
 در طول این مدت رهبران جمهوری اسلامی که کاری جز
 سرکوب و کشتن کارگران و زحمتکشان و خلقهای مبارز

وحشت رژیم از کارگران آگاه و مبارز بافت بلوچ

بدنبال برآمده های سراسری رژیم جمهوری اسلامی
 برای نابود کردن شوراهای واقعی کارگران در
 کارخانجات، دستگیری و تصفیه کارگران مبارز و آگاه
 در تاریخ شنبه ۵۹/۵/۱۵ فرمانداری با تکی چند از
 روسای اداری و استقامی ابراهیم شهید کارخانجات
 بلوچ میروند تا سفارش رژیم جمهوری اسلامی به تشکیل
 انجمن اسلامی در این کارخانجات بپردازد. البته عاصم
 ابن انجن قبل از وسط شیخ نور، سپاهیان و
 جها دسازندگی انتخاب شده اند. این افراد معلوم
 الحال دارای سابقه جاسوسی، خیرچینی و پاسداری
 در سپاهیان هستند و حتی در توطئه ترور دکتر
 حسین بر "مترکت داشته اند. کارگران در مقابل
 حواسه داسقلابی فرمانداری مبنی بر انحلال شوراهای
 مقاومت می نمایند و فرماندهان را میگویند چون نیمه
 از کارگران به مرخصی رفته اند، باید تصمیم نهایی را
 همه کارگران خود در این مورد اتخاذ نمایند. فرماندار
 در ضمن سخنانش به زمان بیگانه در راه آزادی طبقه
 کارگر حمله میکند و خواستار معرفی کسانیکه نشسته
 بیگانه روسری بلوچ را پخش میکنند، میگردد. کارگران
 مبارز و آگاه بافت بلوچ به جز خواهانها و تبلیغات
 دروغین و توجیهی نمیکنند و مانع تحقق توطئه های
 نوم رژیم برای از بین بردن شوراهای واقعی کارگران
 میسود.
 رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از آنکه کارگران
 آگاه هستند، متحذ شوند و به مبارزه مسلحانه نظامیان
 سرمایه داری وابسته که خود حامی و پاسدار آن است
 دست میزنند، وحس و هراس دارند. رژیم میخواهد کارگر
 ان در زیر دست و استمنا روحیانه سرمایه داران دم
 فرو بندد و سخی سرزبانها و نواورند. رژیم میخواهد بجای
 معیارهای طبقاتی، کارگران را رودر روی هم قرار
 دهد...
 رژیم میخواهد این فکر را در ذهن کارگران القا
 نماید که گویی جامعه ما نه بر اساس سرمایه دار و کارگر
 بلکه بر اساس کفر و اسلام بنا شده، رژیم میخواهد کارگر
 ان را از مبارزه بر علیه امپریالیسم و استمنا سرمایه
 داری وابسته بآزادد.
 رژیمی که سرکوب زحمتکشان، ساسودی شوراهای
 واقعی کارگران، کشتار دانشگاہها، مبارزان خلقی
 مبارز، زند، زمینبندان و میخواستار کوچکترین قدمی در
 راه منافع اساسی زحمتکشان و ستمدیدگان میهن ما
 بردارد. رژیم جمهوری اسلامی رسالت تاریخی خود را
 بازاری و ترسیم نظام سرمایه داری وابسته ضربه دیده
 از مبارزات توده ها فرار داده است، سهرقیمتی
 میخواهد جلوی جنبش را سد نماید، انقلاب را خف کند و
 سلطه سرمایه مهربا لیستی را تحکیم نماید. کارگران
 آگاه و مبارز باید ما هیت مدخلی رژیم را برای سوده
 کارگران با بیانی ساده بیان نمایند. باید از توطئه
 های مدکارگری رژیم برای منحل ساختن تشکلات

ایران نگرده اند، هم اکنون خود را با حضور سازمان
 نوده های زحمتکش و اعتراضات حق طلبانه و فزاینده
 آنها روبروی سبید. این خاشتن خلق بجای حل
 مشکلات و ساسا ماییها جامعه (... گران، بیگاری
 بی مسکنی و فقر و سده روزی زحمتکشان) از آنجا شبکه
 نه می خواهد و نه می سواند سالیان بحرانها مقابله کنند
 ساگر بر هر روز دست توطئه خدیدی برای "مقابله با
 زحمتکشان ساسا حانه می زسد. ... آری سوان جمهوری
 اسلامی برای حفظ و نگهداری این سیستم سوسیده
 (سیستم گندیده سرمایه داری وابسته) و حاکمیت
 ارتجاعی حویش دست به هر کاری از قبیل احسراج،
 سرکوب و دستگیری کارگران مبارز می زند. اینک در
 سراسر ایران کارگران بسیاری اخراج شده و ساسا
 معرض اخراج فرار گرفته اند. نمونه اس ۱۸۰۰ نفر
 کارگرا در سرکت "سرسزوی" مسجد سلیمان، ۴۵۰ نفر
 کارگران "بامرود" اخراجی و ۴۰۰۰ نفر کارگر سرکت
 های "ری و کیلاد سسسان" سوستر، اخراج کارگران
 مبارز ساسع فولاد هواز، اخراج کارگران مسارز
 "ماسن سازی" سرسزوی...
 رژیم جمهوری اسلامی هم اکنون سوطه اخراج دسته
 جمعی شمارا سراج اعلام کرده است و این اقدام
 مدانسانی خویش مسخواهد ۱۲۰۰۰ خانوادها سی خانمان
 کرده و سوسوی کرسکی و مفر (بسیتر) بسکند. ساسا اگر
 چه در طی بسکال گذشته ساسا رابار زنده ای داشته و
 مانع پیاده شدن طرحهای خاشتن رژیم شدند، اما به
 دلیل پراکندگی و سدانسی تک تشکلات آهسسن و
 انقلابی سرات متعددی سیز خورده آید، ساسا سراسی
 سساراه مبارزه ساسا این سسبم فدکارگری دولت جمهوری
 اسلامی اتحادیکبارچند ساسا و ایجادیک شورای واقعی
 کارگری است که سسواندمسارزات بحق شمارا سسبده
 و این توطئه شوم در هم شکند، سس با بیدگوشد ساسا
 فشرده تر کردن معوف خود ساسسمن، نظا سسرات و...
 توطئه های سنگین هیئت حاکمه را اسنا و حتی ساخت.
 کارگران، زحمتکشان و سسروهای انقلابی
 ماضی محکوم کردن توطئه فدکارگری احسراج
 ۱۲۰۰ زحمتکش که بیدستور دولت جمهوری اسلامی سوسط
 مقامات شهرداری مسجد سلیمان پیاده میشود، اعلام
 میداریم که دوس بدوش کارگران از خواستهای و سسارزات
 عادلانه آنها قاطعانه حمایت و سسبمانی کرده و ارهه مردم
 مبارز و سسروهای اسلامی نیز میخواستار هم جنبش کنند.

پیروزی با اتحاد و همسنگی کارگران و زحمتکشان
 علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

کارگران مبارز کتف کار، رمضانی نماینده مجلس از گیلان را از کارخانه بیرون انداختند

چندی پیش رمضانی نماینده مجلس از گیلان برای سببائی و تحریک کارگران به کارخانه کتف کار مرود وی در سخنرانی خود ضمن اینکه علیه شورا به بدگوشی می پردازد، ۴۰ ساعت کار در هفته را بحاظ "مبارزه" امیریا لیس "نا درست دانست و از کارگران میخواهد که بیشتر کار کنند. رمضانی قبل از آنکه بعنوان نماینده انتخاب شود، در سخنرانیهایش برای زحمتکشان وعده های زیادی میداد که چنین وعده ها را منکسر می کرد. رمضانی نماینده گیلان در کارخانه، یکی از اعضای شورا چنان او را در مقابل کارگران انشا میکند که کارگران وی را بخوابانند و از کارخانه بیرون بیاورند. آنان حتی میخواهند او را بزندان عتاقی شورا مابع می آورند.

بدنبال این جریان هیات به اصطلاح با کسب از کارخانه آمد و پیرونده چند نفر را بیرون میکشند آنها را اخراج نماید. اما به علت حمایت گسترده کارگران اردوستان مبارزان، عقب نشینی میکنند. در این رابطه یکی از اعضای مبارز شورا بنام کریمیان برای بازگوشی به نیروی خورشید برده میشود اما به لحاظ حمایت کارگران از او به زودی آزادی می گردد. بعد از این جریان مدیر عامل کارخانه طی تخطی نامه ای ۴۰ ساعت کار در هفته را لغو و شورا را محفل اعلام میکند. اما اعتراض کارگران به این بحث نامه

و داخل عده ای او را شکر در کارخانه درگیری بوجود می آید و طی آن یکی از عناصر مرود در آن سبب دهنده در نیما رستان ستری مسود، در نما رستان همانا لگی - ها بین از وی میخواهد که علیه کریمیان نماینده ما زور بکشد، آنجا ما اس توطئه - ما نماینده مدکور را دستگیری می نماید. حسنی رئیس همانا کسب از کارخانه در نما رستان ما که همه ما - اهانته به "داب ملوکا" به "برای عناصر مرود زبیرونده سازی میسود، به آنها موهومی سورا ای انقلاب سراسر کریمیان بیرونده سازی میکند.

کارگران به عنوان اعتراض به دستگیری نماینده مبارزان ابتدا توله را کم کرده و سپس دست به اعمال همگانی زده و خواستار آزادی بدون تصویب اومی - سوند.

در همین رابطه حسنی کارگران را تهدید کرده که در صورت ادامه اعمال، آنها را اخراج کرده و کارگران "مسلمان" را سحای آنرا اسخدا میکند. کارگران مبارز کتف کار هم علام کردند که هیچ کس اجازه ورود به کارخانه را نخواهد داد، مگر آنکه همه آنها را بکشند!

مبارزه کارگران کتف کار برای آزادی نماینده شان بطوریکه رجا داده می آید. هر چه بیشتر کارگران اتحاد بولادین کارگران

مبارزه و پیروزی کارگران گروه صنعتی کفش ملی

بدنبال مبارزات فلبی کارگران گروه صنعتی کفش ملی (این گروه صنعتی از نزدیک ۲۲ شرکت تشکیل شده است) برای گرفتن حق تولید حق سنگینی کار... مدیریت دولتی بین ۵ تا ۱۵ تومان بعنوان حق سنگینی کار به مزایای این کارگران اضافه کرده است. کارگران مبارز شرکتی استاندارد، هومس، گابور، بیونا بتدو ۱۰۰ اعلام کرده اند که مبلغ امانه شده با پیدا ز اول فروردین ماه ۵۹ پرداخت شود. براساس فشار کارگران مدیریت دولتی به خواست آنان کردن نهاد و حق سنگینی کار را (با احتساب آن از فروردین ماه) در تاریخ ۵۹/۵/۱۵ به کارگران پرداخت مینماید. خواست دیگر کارگران یکماه تعطیلات سالانه (بدون حساب نمودن روزهای تعطیل) بود. آنها استدلال می کردند که: "اگر کارخانه دولتی است باید ما هم مانند"

واقعی و خلع سلاح ساختن کارگران برده بردارند و مکرر با بدخاطر نشان سازند که هر چه رنج و اجاع بتوانند در تعرفات خود موفقتر شود و حاکمیت کارگران را محدود نسازد برای ناسودی و سرکوب کامل آنها جری تر میشود و زنجیر سردگی و مزدوری را برپا نشان محکمتر می بندند. (نقل به احتما از زنجیر سلوچ، شماره ۳۶ ارگان اتحاد زحمتکشان بلوچستان)

کارمندان از تعطیلات ۳۰ روز در سال برخوردار میباشند و اگر خصوصی است پس چرا ۴۰ ساعت در هفته کار کنیم، ۴۰ ساعت کار در هفته کافی است. (کارگران مبارزان محصل از حدی پس ۴۰ ساعت کار در هفته را به اجرا در آورده اند مدیریت دولتی در برابر این خواست کارگران مسکوب: "۱۸ روز تعطیلات شما را فعلا می دهیم و ۱۲ روز بعد از در طی سال خواهد شد." خواست سوم کارگران سود ویژه بود که مبارزان به خاطر آن را به پس از بارگشت از تعطیلات سالانه موکول کرده اند. پیروزیها در مبارزات حق طلبانه کارگران



سخن از صفحه ۱

رفسنجانی...

بسیار بلکه خواستار احاد آنها را بکنند و خود را در کنار آنها می بیند، و برای ما بلکه خطر مسترک دعوت به اتحاد می نماید و آنها اسخدا میکنند ما بهت این رژیم را بسناریس فاس میکند. ما هشتی که ما در مخالفت و پیوسته های متعدد سان داده ایم که خدا میر - با لیسسی نیست بلکه ارباعی است، ما هشتی که منجر به کوس بهما رساری بطا م بر ما بهداری وابسته در ایران شده است.

سخن رفسنجانی سزوح تمام، ما هشت سعارها و رسپای "صدا میرا لیسسی" رژیم جمهوری اسلامی را اسما میکند. رژیم جمهوری اسلامی سدرسی خود را در صف کشورهای سرما بهداری می بیند، از کمونیسم که دشمنترین دشمنان سرما بهداری است وحش میکند. سنا نگذاران سوسا لسم علمی، ما رکن وانگلس در اولین جمله را سبب میباشند:

"سببی در اروپا درگت وگذا راست - سبج کمونیسم همه سبروهای اروپای کپن برای سقشب معذس این سح معخده است: بیاب و سزار، سترن سبخ و کپیز، راد سکا لپای فرا سسولیس آلمان."

هم گمون حقیقت توق به سراسر جهان سمیم با صداست. سح کمونیسم سراسر جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است و آتای رفسنجانی دست اقتصاد سوسی امیرا لیسسی آلمان، ای تالیان، ووا پنی دراز میکند. البته در نتیجه مبارزات طبقه کارگر در سراسر جهان، کمونیسم هم دیگر شرح نیست، حقیقت است و به همین لحاظ است که سرکوب کمونیستها و سبروهای انقلابی ای که سبروای صدا میرا لیسسی بای می - سربدا سنجس در دستورا میرا لیسسی ووا سسگان آنها فرا رگرفه است.

سأها شن در آخرین روزها بهت در آستانه سرگ فریا دیکشید که "کمونیستها را بکشید!" (سکار ۰۰۰) و سرمداران امیریا لیسسی آمریکا با رها، علمبر عم کاران سن ایران و آمریکا، رها بت خاطر خود را از سدی که از اسلام در برابر کمونیسم در منطقه ساخته میشود باز کرده اند. آنکه دستگا هیای تبلیغاتی و سیاسی و تبلیغی و نظامی جمهوری اسلامی سس سز حمله خود را متوجه کمونیستها کرده اند و رشح فرضی برای سرکوب آنها عملت نمیکند، دمقا از ما هشت سرما بهداری اند و سصد کاری سطا جمهوری اسلامی مایه مگردد.

کمونیستها دشمن شماره یک سرما بهداری در هر شکل آن هستند. کمونیستها برای رها شی کارگران و دیگر زحمتکشان و کل انسا آنها مبارزه میکنند، کمو - نیستها گورکس سرما بهداری هستند و به همین دلیل است که سرما بهداری و امیریا لیسسی از هیچ کوششی برای سرکوب کمونیستها دریغ نمیورزند.

آنکه آتای رفسنجانی از امیریا لیسسیهای اروپا - شی وزا بنی ملنسا نه سخوا هد که در برابر سطر کمونیسم متحد سوند جای خود را در صف مقابل کارگران و زحمتکشان و سبروهای کمونیستی و انقلابی تعیین میکند. این را باید هر چه با ز ترور و سترسرای توده - ها شی که از سرناتگا هی، سرب سعارهای صدا میرا لیسسی رژیم جمهوری اسلامی را خورده اند توضیح داد.

★ ★ ★

با تمام قوا در مقابل توطئه اخراج کارگران متحدانه مقاومت کنیم!

شعبه فرهنگ ۱

موضوعگیری...

اهمیت وسواں بختی می باشد. اس امر بدیهی و قابل پیش بینی را بحوسی مسواں در سخنرا سی ها و معاللات و مصالحه های اخیر سردمداران حزب و هم چنان آنها صا هد کرد. ارجحله در سخنرا سی حانه ای کهدر روز دوشنبه ۲۷ سر ما ها ز را دوشنبه صا هد. حانه ای در محبت ها سن بطور صرح و آسکاری بر لزوم جلوگیری از مصالحه سیاسی سما محال غلبن جمهوری اسلامی اسواں در بنام زمینه ها، نا کند منکر د اور واقع با سخاں حوس که رسیده ها، تا کند منکر د. اودروایع با سخاں حوس که البته سما بطور کد کد رسیده منحصرا به فرد هم نسبت بلکه در سن صلحاں و سواں ثل سلسعا سی حزب عمومی دارد رمنه عطا سی انحلال سار ما سها و گروهی ای کمونیسی ودمکرات بدهی را برا هم نکرد. اس در حالی است که بطور سمار سی برده ای در سمار سراسری دادگاهها و دادسرا های انقلاب - سار رایج شخصه ۲۵ مرداد - ضرورت انحلال سار ما سی ای کمونیسی ودمکرات سها ذکرنا مسعدای ازا سها و ارجحله صا هد سی طلی مطرح میخود. (۱) سواں طرح اس مسئله، البته بهیچ وجه برای سروهای راسین کمونیسی غیر منبصره و تعجب - آوریست. آنها صا هد سس کده صا د درت گیری سسر حزب جمهوری حظ سرکوب سسر سرور سسر سی صا هد. در نتیجه صل ا ر هرحیرا سن سروهای کمونیسی و اینلا سی هستند که مورد حملات کسه سورا سها و عدا غلای سورا سن

حظ سرکوب فرار منگرسد. ساس حال اس به معنای آن سوده وسبت کسه سروهای راسین کمونیسی دحا رسوه صده و در مقابل حظ سرکوب سده ها عا ر حظ سرکوب و در صبر لبرالها اصا ده و سوا سن صورنا در صت و صمد عطا سی که "لبرالها" لا نل حدا قلی ازا رادی راسه مردم و سروهای سیاسی صا هد سدا دوا سن صودا صت رسد سسر سروهای انقلابی صا هد سدا (نظرمصا هد سن) عملا بصورت بر دنا سی برای "لبرالها" دوا صت (ما سن سدا صا هد سن) و ساسکها صت سده ساس نظرا ر صا عی که حزب و با حظ ما صدا سبرال سس است سده ها عا ر آن اصا ده و در حزب منافع اسما ر کرا سده آنها کار گرفته سوند و به سها سده سوا ر ه س لبرالها " و امرا لسم به

"لبرالها" میپردا ردا تا بر عم خود س از لبرال لسم آنها در صورت بقوی "لبرالها" (بر حریف بهره ببرد، البته این معنای آن نیست که ایی دیدگا هوا سن بستر اصا ی همه صا صا ح حزب میپردا زدوما صت آنها اصا سی صا هد. بلکه آنچه کده تا کنون واقع شده - که طبعی سزه سس است - است که ایی دیدگا ه عا جز اری سدن به صا صا ح حزب و در نتیجه صا تا سن ازا صا ی انقلابی آن صا صا سده سیمین جهت افشاگری - های این سبس نسبت به حزب جمهوری اسلامی سسار سطحی است و عطق طوا هر و سمودهای نا چیزی را می - سسده و ر کز صا در سبت کسه صا صا سن واقع شود و آترا ساسک دیدگا ه انقلابی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

گویا آنها (رهبری مجاهدین خلق) با خود پیمان بسته اند که هر قدر بیشتر مورد تهاجم و افترا واقع شوند، هر اندازه افزونتر مورد قتل و کشتار قرار بگیرند، هر چند رفرا و نتر د جار تضییقات و فشارهای ضد انقلابی بشوند، بیشترین بیستریه تکلیف در مقابل ارتجاع روی آورند افزون و افزونتریه مظلوم نمایی و استغاثه به درگاه این جنایتکاران بپردازند.

علیرغم تاکیدات خود آیب الله خمینی و علیرغم اینکه او خود مجاهدین خلق را "منافقین بدتر از کفار" و "عامل آمریکا" و "دزد" (حتی شهدای آنان را) و "فریبکار" و... معرفی میکند... رهبران مجاهدین خلق اصرار دارند آیت الله را از کل هیات حاکمه جدا کرده و او را بی اطلاع به امور نشان دهند و اسم این را نیز حرکت توده ای و توجه به ذهنیات توده ها! میگذارند!

(۱) - در سمار سراسری دادگاهها و دادسرا های انقلاب در تاریخ سسبه ۲۵ مرداد بمطالبت محفل و سسر اهمیتی اظرف مکا بر ع سوا سن توان سن سسپادی به مجلس مطرح سده که دوشنبه ازا سها راسنل ارور - نا س جمهوری اسلامی مورخ ۲۶ مرداد در اسحا بنا و رسم - "سختگوی گروه ۱۴ صا صا کرد کده صت دادگا هها ی انقلاب در ا عدا صا هد سسر و صا ر سس سار سرتکا ر د سود... گروهی ای صخره که همتی روزروری انقلاب و اسلام واما ما سستا ده اند، صا صا رهای اسسند. تعدادی از این گروهها صصحا صلحا و صا رسده و حکم آنها مظلوم است اما آنها سی کودعا ی اسد ثلوری اسلامی دارند وظا هر آنها محال صت درسی اصصا دی سوا سن صا هد سسر در حکم صا سن صا ر سس هستند و هر کس سنگ نبش را د انقلاب و اسلام صا صا ردا رای حکم جارح سنس"

"تجرکروه ۱۴ گروهی سی که صا صا ردا راب و دسگا هها ی دولتی ساسکا زی سوده سسر صا ر سراسلام گرد: صا واکبها، سوا سنکا ن سدر سسما سسر، عصا ل صه یوسیم و اسسما ر، عمال صا صا در سمولس سصا د، صص و صل کسندا سن سب الصال، سها سوا سن، کمکارها و سسین کسندا سن مردم سب سبه انقلاب، ثرو عطا ی صخره صا انقلاب صل اعما ی سار ما سن صا هد سن خلق، سار ما سن حرکتیهای صا سی خلق، صخره توده، حزب کومله حزب دمکرات و سوا لایر سها ما فرادی که در ا راب سفع گروه خود صا حظ مسی گروهی صودا سستا ده کسند..."

صا ده لوجی و کودگا ته صا صا هد سوا گرا سن ساسا ر صا صا سسها صا سده سن سسوا ده ای طلی کسسم، رسرا در سی صوا هد صا صا کده صا ما سن سببا صا بصورت "فا سون" دوا صت. اگر صا صا کنون رسون اسکده صورت نا سوسی صود سسر در عمل صا ده صسود.

کمک سروشی سستا سده صا ربا ساسی سده صا سرو - های صا صا سبرال سسی و اعما ی و ا ردا و رده است. در واقع سبروهای کمونیسی و اعما ی ازا صا دن سدا م هر یک ا ر دو صا ح هاب صا کده ا ر صا عی ا حترار کرده و منکند، و ا ر عفر ظهرا کی حون "لبرالها" سده صا سن اسنی حزب جمهوری انقلابی ازا با ل عکس صا ه سنی سسر، بلکه آنها سوا آکا سی کما صل به صا صت اسسما ر - گرا سده در وی اس صا صا و علم صا سسگا سسین دو صا ح اگر چه در ای صا صا صا و سوا ده ا سی نا کد کسر می نا سده و در مورد حکونگی اسسرا ر صا م و صعا رسیم هر کده م در صا کسب اصا ی نظردا ر سدا لکن در صوا ر د مهم و صص کسده ای حون با ر ساری صا صا سها سده - داری و اسسده و جلوگیری ازا سدا انقلاب و سرکوب سرو - های انقلابی و خلقی وحدت ما هوی و اسسرا سرتک دارند لحه طه ای ازا صا ی صا صت صا خلقی - صا انقلابی هر دو صا ح و صر صا ردن به آنها عا قل صسوی و صا صا صوا منکوسسدا ر سس برده سوه صا ب و سلسعا ب ساسی و مذهبی صسیرد و اعما ی کل هصا صا کده و صا سی صا صا ی سرتک در صدر ب و صوما دو صا ح حزب جمهوری انقلابی و سنی صدر "لبرالها" ازا سده وده های ر صصکی خلق سسنا صا صت و آنها را در صبت سکل و کسب صدر صا سی سده هری طعه کا رگر ر هصمون سود، اما در مقابل اس بر حور د اصولی و کموسی دود سگا ه سسر و صود ا ر د که هر کده ا مه سوسی در صدمت سوز روری قرار میگیرد. بکی دیدگا ه دعاع ا ر صا ح حزب و سوسبت آن است که سده صسدا ر س رویوسب سسها ی صا سن حزب صوده می نا سده و صت سی است که رویوسب سسها ی سوا سی صا صا سن (ا کرسب) سسر در ای صا خط فرار گرسنه است، در طرف سروهای مذهبی سبز صسین صسما سن صا ر صا دیدگا ه فوق الذکر عمل می کند یعنی دعاع ا ر صا م (تجر صا هصا ن حظ حزب) در مقابل حظ "لبرالها"، دیگری دیدگا هی است که صا ح حزب را ا ر صا ح صا صا صا در صا ر سوا سن سده صت سوسب

سار ررسی و مهم سرن سبرو شی کده در ای صا جنین دید و تحطلی صی صا صا صا سار ما سزا من صا هدین خلق است و در ای سوسه هم صما صا ردا صا صا سها ساسا سسین سار ما سن، سسی دیدگا ه دوم است. صا هدین علیرغم سرحوردهای ربا دویایی سبروهای صا ر کسینی و از صله - و محصوما صا سب سها صا صا دو صا ح شریک در هصت صا کده و سسر محتوی و صصون روم سینی و سار سگار - اسه سترس آنها بدین دو صا ح و اعما ی این سگرش و مهم صا ر آن علیرغم سکت و تحلیل هابنا سن کسه و ا قصا ب روز مره رندگی و عمل کرد دو صا ح رزیم آنها نظرسی حون و چرا شی به نبوت صسرا صا هد، هصصا سن صا صا سها و سسحوی غیرا انقلابی و بورنونیستی سسر نا کسب سار سکا ر اسه و روم سینی صودای میفسرند و هنورا "صا صا ح حزب صا صا سن سنی صدر عوا صفریب سها مسیرد و نا سسار بدتر و نا صا آ و ر سسر از آن سدرگا ه سسر سدا ران خود حزب روی آورده ازا آنها داد صوا هی منکند، گوا صر صا سن صا هدین صصیم گرسه صا صا ا خر سب صص و نا لحه طه یا سی در مقابل واقع صا س سرخت رمنی و در سار بر حرکت روبر سده و صا طلی صا صا حود را لاصد صا ن دهند و صا صا صا ل صا صا در صا صا ر ا دیده ا نکا رسد، و صم و گوش حود را سرتک ساسا سها و عمل کردهای رزیم جمهوری اسلامی ا ر کطرف و سروهای انقلاب از طرف دیگر ببندند، گوا آنها با حود صیما ن سستا نده که هر قدر بیشتر سسر د سها صا و افترا واقع شوند، هر اندازه افزونتر سسر د قتل و کشتار ربار بگیرند، هر چند ر کده رفرا و نتر د جار صصا صا و فشارهای صا انقلابی بشوند، بیشترین بیستریه تکلیف در مقابل ارتجاع روی آورند! افزون و افزونتریه مظلوم نمایی و استغاثه به درگاه این جنایتکاران بپردازند! اصصا نبوت ا حتمالی رهبران صا هد سن خلق در قسا ل این سببا صا صا بهیچ روتوجه گر بقیده در صفحه ۱۲

زمانیکه کمونیستها مدنی مزدور را بیرحمانه افشا میکردند، حزب جمهوری اسلامی و لبرالها و رویونیستها از او بیدریغ حمایت میکردند

بقیه از صفحه ۱

بیکارگران...

سحرگاه ۱۳ه مرداد ۵۹ حدود ساعت ۵ صبح، محله سرخاب تبریز، شاهدیکی از جنایات هولناک عوامل مسلح رژیم جمهوری اسلامی بود. دورفتیق بیکارگر، مسعود صالحی را در دانشجوی سال ۴ پزشکی تبریز و طیب نجم الدینی، دانشجوی سال ۳ پزشکی تبریز، از اعضای دانشجویان و دانش آموزان هواداران زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر (تبریز) هنگامیکه اعلامیه های سازمان را بدست توده های زحمتکش ایس محله میرساندند، توسط گشتی های "کمیتا زرسی" ویا "سپاه پاسداران" تبریز دستگیر میشوند. دوساعت بعد یعنی ساعت ۷ صبح چوبانی جسد و جوان را در نزدیکی جاده هرت تبریز (کیلومتر ۲- تبریز) می یابند، در حالیکه در یک ماشین استیشن با جیب یعنی ارتسوع همان ماشینهای مورد استفاده کمیتا زرسی و ساها با ساران در کنار جسد و شهید دیده میشوند! چوپان به اهالی ده نزدیک خبر میدهند و اهالی ده بیژاندار میروند... ۳ روز بعد این باران وفادار زحمتکش را پس از انجام تشریفات به اصطلاح قانونی در گورستان "وادی رحمت" تبریز به خاک سپرده میشوند و در دفتر گورستان نوشته میشود: چنانچه مجهول الهویه!... و ما موفق میشویم پس از جستجوی بسیار سرانجام روز جمعه ۲۴ مرداد ماه از کم و کف این جنایت هولناک آگاهی یابیم.

آری اینچنین ۲ تن دیگر از فرزندان انقلابی خلق، دویپیکارگر کمونیست، بدست ما موریس کمیتا زرسی و با ساران ارتجاع به شهادت میرسند. و این چنین ۲ تن دیگر از رفقای ما را با همان روس شناخته شده ترور - بیستی - فاشیستی سر به نیست میکنند. روشی که ساز مدتیا پیش در مورد انقلابیون کمونیست و دیگر تریو - های انقلابی و مترقی بکار میبرد، روشی که با ملاحده حزب جمهوری اسلامی در سپاه پاسداران و کمیتا هها طراحی و به اجرا گذاشته میشود. همچنانکه هموطنان مبارز ما اطلاع دارند ارتجاع با این روش و نا کتیک جنایتکارانه و فاشیستی تا بحال بسیاری از فرزندان انقلابی خلق را ترور کرده است. رفیق بیکارگرنا صر توفیقیا ن در اصفهان، چهار رهبر خلق ترکمن، رفقای فدائی: توماج، مختمو، جرجانی و احدی، کارگرما هند تا صر محمدی... و بسیاری از رفقا و مبارزان دیگر همه و همه با همین شیوه فاشیستی و جنایتکارانه به شهادت رسیده اند.

هموطنان مبارز!

"مبارزه ما زمانهای سیاسی" که وابسته به حیزب جمهوری اسلامی است (پیکار ۶۲) طراحی و توسط آنان و دیگر مزدوران نشان به مرحله اجرا گذارده میشود. ما این را سیاسی میدانیم که ارتس فاشیستی از آن در انکال دیگری در کردستان استفاده میکنند، و بنا بر این معتقدیم که هرگونه تحلیل دیگری از قضا یا که بخشی از رژیم را تبرئه نماید یا این جنایات را به ارگانهای با مصلاح "غیر مسئول" نسبت دهد، آگاهانه و یا آگاهانه عیلا بر جناحات رژیم جمهوری اسلامی برده می اندازد، و در نتیجه ایات آنها تلاش میکند، نیروها را که باور تویست و ار این تصور را در بین هواداران خود ایجاد میکند که بنی صدارا سا ماخلف این روشها است گوئی سببوتوانندنگاهای به کردستان سیاندازند نا حقایق کوسده را عریان و آشکارا ببینند...

هموطنان مبارز!

اکنون که دو تن دیگر از فرزندان انقلابی خلق به جرم عشق به زحمتکش و بجرم بخش اعلامیه و آگاه کردن خلق قربانی چنین توطئه های رذیلتانه ای میگرددند ما رهم بیسترمعلوم میگردد که ارتجاع تا چه حد از آگاهی توده ها هراس دارد. بر راستی ما در این اعلامیه چه می نویسیم که اینچنین مدعان "عدالتا" اسلامی را بر آشته میسازد؟ ما در این ورقه های آگاهی بخش چه میگوئیم که اینچنین سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را به هراس انداخته است؟ آیا ما جز حقیقت را میگوئیم آنا ما جز در مصلاح خلق حرف میزنیم؟ ...

هموطنان مبارز!

به برکت اعلامیه ها و نشریات آگاهی بخش که از سوی کمونیستها و نیروهای انقلابی سوده است که امروز توده های بسیاری از سندن توهمنست به مدعیان دروغین رژیم جمهوری اسلامی بیرون آمده اند تجربه آنجا نیز حقایق ما را ست گوئی ما و عدم حقا ننت رژیم و دروغ گوئی و فریبکاری آن را ثابت کرده است... و این است دلیل دم منی ارتجاع علیه انقلابیون! آنا از آگاهی توده ها آنچنان هراس دارند که خا خنده ای مرتجع اما جمعه نهرا، در سنا ز جمعه می گویدرا سندها کسی ها ئی که شا به بحث میکنند را با بدماج زات کرد! (بدن نرتسب و قبل از هر چیز ترس خود روزیم را در رسیدن اخبار انقلابی به گوش مردم نشان میدهد)...

اما ما ساتما قوادرا آگاهی خلق، با زهمیشتر خوا هم کوشید، نه دستگیری و نه شکنجه و سده اوتورور هیچیک ما را اروپا یفا انقلابی خود با زخوا هدها ننت رژیم سدها ش نیز سیمیا رتلاش کرد که سازمانهای انقلابی را از حرکت سا زدا ردولی نتوانست و انقلابیون بسا فداکاری تمام، شبا سدها و اعلامیه ها را بدست خلق رساندند، و اس که انقلاب لشکری از فرزندان خلق و جوانان کارگرو زحمتکش و روشنفکر را تربیت کرده است، ارتجاع نه با چند مدچریک بلکه با سدها هزار ارتراز زحمتکش و روشنفکران و جوانان انقلابی ما طرف می - با سدها شبکه بخش اعلامیه ها و نشریات انقلابی را سازمان میدهد! و آنها را علیرغم هرگونه درد سری و گاه به قیمت جان نشان به دست خلق میرسانند، آری انقلاب از مسعود صالحی را دها و طیب نجم الدینی ها که علیرغم کمی سن سنا، از سال ۵۵ و ۵۶ س بعد علیه رژیم سها ه متعهدانه بیکارگر کرده اند، رفقا ما فعلا لانه شرکت نموده اند در تسخیر مراکز سا واک (رشت) و در کنار توده ها سیر کرده اند سدها و سدها هزار برور سدها ست و جوشش

بقیه از صفحه ۱۶

گزارشی...

و صرب و شتم نیروهای انقلابی و محکوم کردنشان در دادگاههای فرمایشی بسنده میکردند، امروز بسا نزدیک دیدن لحظه مرگشان به شیوه ترور دست میزنند و سعی میکنند با ایجا دجوارعاب و حقا ن فاشیستی جلو حرکات ما را بگیرند. اما چه باک، ما که با توده ها، کارگران، زحمتکش و با شهیدان ما میثاق بسنده ایم که برای بدست آوردن بیروزی نهای و استقرار جمهوری دمکرا نیک خلق از هیچ کوشی فروگذار نکنیم طبیعی است که هذیانها و حرکات محتضرا نه رژیم و با ساران نش نمیتوانند ما نی در جلو حرکت ما با ندوما با ردیگر به خون سرخ رفقای شهید مسعود صالحی را و طیب نجم الدینی که سوب رژیم قهرمانانه کمونیستها را میدهد، به با بداریشان که از آرمان زحمتکش ما به گرمته است سوگند میخوریم که راهرا افتخارشان را تا کسب بیروزی نهای دنیا می کنیم، ما ضمن ارتج نهای بدخا تراده رفقای شهید مسعود صالحی را و طیب نجم الدینی که چنین فرزندان مبارزی را دا من خود برورده و به پیشگاه خلق و انقلاب اهدا کرد با فاشی سرارازانده و کینه نسبت به دشمنان انقلاب با خانوادها ای این رفقا ابراز همدردی مینمائیم و سار دیگر متعهد خود را در سگیری راه رفقا یادآور میسوم، سار ما بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیتا ذرابجان - ۵۹/۵/۲۷ این مراسم در ساعت ۷/۵ بعد از ظهر با شاعرهای در محکوم کردن عاملان این جنایت بیباکان رسید.

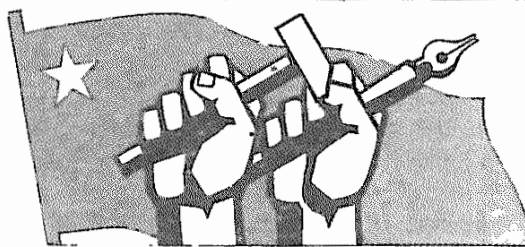
مراسم بزرگداشت یاد رفیق شهید مسعود صالحی را در درشت

بمناسبت ترور وحشیانه و فاشیستی رفیق شهید مسعود صالحی را در (اهل رشت) از طرف هواداران و دوست - داران آن رفیق یک راهیما ئی در رشت ترتیب یافت. این راهیما ئی در ساعت ۱۶/۴۵ از ابتدای خیابان طالقانی شروع و راهیما ئی با نظرف منزل رفیق حرکت کردند، در این راهیما ئی با شاعرهای نظیر " در بر رفیق شهید صالحی" و "درود بر رفیق شهید صالحی که بدست پاسداران شهید شد"... و سایر رفیق زنده گشت در جلورا هیما ئی با عکس رفیق همرا با دسته گل سفا و صمیمیت و وفاداری رفیق را به زحمتکشان تدا عی میگرد، راهیما ئی با پس از رسیدن به منزل رفیق در حیطه خانه با داورا گرامی داشتند. در اینجا پیام کمیتا ذرابجان و حوزه گیلان و دانشجویان و دانش آموزان هوادار در گیلان به خانواد رفیق قرائت شد و مراسم با شکوه تمام در حالیکه پاسداران کوشش بی - نتیجه ای برای برهم زدن مراسم به عمل آورده بودند در ساعت ۷/۵ با پایان یافت، البته طبق معمول ۱۲-۱۰ نفر از خانواده ها و وابستان حزب جمهوری اسلامی نیز صمدیر هم زدن مراسم را سندن که موفق شدند.

انقلابی جا سدها با زهمیشتر از آنها خوا هدبروراند، و از خون مسعودها و طیبها و هزاران مسعود و طیب پیدا خواهند سدها و سربل خروسان خلق نظم سرما به نظم برتری طبقاتی و ملی را برهم جو اهدریخت! و انقلاب تا سنا مخلقها یما را به سنا نجام خوا هدرا سنا!

مرگ بر جلا ددان فرزندان انقلابی خلق!
مرگ بر امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی او!
زنده باد پیکار پر خروش توده ها!

هنرمقاومت هنرپرولتری



نگاهی ستاینده به شعر انقلاب مشروطیت:

آئینه زنده هنر برابر توفان انقلاب (۲)

آستانه انقلاب:

ما رش انقلاب دمکراتیک و خدا مبریا لیستی مشروطیت، در شرایطی نواخته شده که جنبش دمکراتیک خلقهای آسیا در او خرقن نوزدهم، برای رهایی از قید و بند پوسیده آثار رفشودا لیسم و سلطه امبریا لیسم که از ارتجاع داخلی وابسته به خود حمایت میکرد، به سرعت نشوونما می یافت.

کیفیت عاطفی و درونی نیروهای جامعه، بر زمینه موقعیت طبقاتی گوناگون در این شرایط عینی مشخص بود که به بروز پیدا میکرد. احساسات کین و نفرت، امید و آرزوهای بی پایان و تزلزل... نهایتاً چیزی جز انکسار پیچیده موقعیت مشخص طبقاتی نمیتوانست باشد. شعر که بیانگر کیفیت روحی، آگاهی های حسی و امیال طبقاتی در شکل ویژه ای از اشکال هنری است در چنین اوضاعی بدل به آئینه ای میگشت که تابلو درونی طبقات را به آینه انکارترین صورت ممکن، بازتاب میداد. این موقعیت عینی مشخص چه بود که با زتاب آن در ذهن شاعران گوناگون که نمایندگان هنری طبقات مختلف بودند، اطلی ترین پایه آفرینش آنان را تشکیل میداد؟ ضروری است بطور فشرده مروری بر آن بنمائیم: در این دوران زندگی میلیونها زحمتکش که اکثریت آنان را دهقانان در کل به عنوان نیروی اساسی تشکیل میدادند در شرایط فقر و فلاکت، قحطی و گرسنگی، زیر یوغ ستم و وحشیانه قرون وسطی ایلیان اشرف، درباریان و فئودالها و کلا ارتجاع داخلی وابسته سیری میشد و جریانی یافتن محدود سرما به امبریا لیستی در بنیادها و مصلحه وسیع امبریا لیسم تا تیرید و تیرگی را خود را بر تشدید این فقر و فلاکت باقی می نهاد. اقلیت ناچیزی که بر شمرده شد تسلط شوم خویش را در جامعه ای نیمه فئودال - نیمه مستعمره بوسیله قدرت مطلقه و استبدادی دولت بر توده های ستم - کش تحمیل میکردند، نفوذ سرما به امبریا لیستی در آن دوران برخلاف رشد خود بوی سرما به داری، طبقه مقتضیات خود، نه تنها با این نظم مرتجاعانه به مخالفت بر نمی خاست بلکه با آن سازش و برای جلوگیری از رشد خود بوی سرما به صنعتی آن را تقویت می نمود. و سبب افزودن اشکال جدیدی از ستم بر انواع ستمهای پیشین میگشت که عمیقاً بر محتوای خواستهای دمکراتیک توده ها اثر می نهاد، تشدید ستمگری ملی نا بود کردن استقلال، به قید در آوردن خلقهای تحت ستم در

همه بعدا اقتصاد و سیاسی به نفع رشد و تکامل کشور - های امبریا لیستی... پیش از بیسی ادا هن زندگی به شیوه سابق را برای طبقات خلق ناممکن میساخت و زمینه بیداری و تشدید مبارزات دمکراتیک را فراهم میکرد و جنبشهای مقاومت جویا به توده های و صداستماعی را گسترش میداد و توده ها را علیه رگود قرون وسطایی یک دوران تاریخی برمی انگیزت، و در همین حالت که ما به خصوصیت متمایز این جنبش با مبارزاتی که درون جامعه ای نامناسبات و ریز و زوال فئودالی همپا می رشد

مبارزات انقلابی و احساسات کینه جویا به طبقات خلق و حتی سوز و آری ملی در آن زمان فرار میگردید اگر طوطی و آریه این سنده نما شمع نفوذ سرما به داری - نا لیستی و رشتن حسی از سرما به امتیازات و انحصارات سرما به داری آنکه به ساری امبریا لیسم باح می - داد، بهر حال نفوذ سرما به درک و بی حاشیای ضرورت بوده، اگر ما سطحی انکار به سیم بلکرات، خط آهن نغش سرما به مالی امبریا لیسم و در سوسید با آن به موجود است آن حصار سرما به بزرگ بجاری که در بوی دبا امبریا لیسم فرار میگردت و بی شک موجب بیداری نوعی از مناسبات سرما به داری به میگشت جسم دوریم اما به سبب دیگر اس سنده ها را لحاظ باح به ساری امبریا لیسمی بوجه ناموسنا نظر نگاهت - روانه و درنگها سنگ و با استدلال ارسطویی الف الف اسب و سرما به، سرما به است، فضا با راجل و فصل حمام سبب به سا کزیرا سی حوا همد که معاومی را که در او نصب ارسوی توده ها در برابر اسن جریان بروز مسعود و در چشمه دهی فضا لیستنا انعکاس می با، سنا به مقاومت سرما به کوچک در برابر سرما به بزرگ در نظر رسد کلاسیک سرما به داری، معاومنی ارجاعی فلیمسداد سنا شیم و در بنیه هنر، جهه اشکال انقلابی احساسات مقاوم جویا به طبقات خلق را نسبت به آن نفی کنیم.

بخش بزرگی از اشعار مقاومت جویا نه دوران مشروطه مشعوم است از بیان نفرت و کینه علیه سلطه امبریا لیسم و نقش اسارت با رنقود سرمای امبریا لیستی و... و نسبت به میوه چینان انقلاب و کوشندگان پاپسرجائی مناسبات پوسیده که نه.

سها سرتسب مقدمان در ساحت حقیقی شرایط عینی آن دوران ساند چند مسئله اساسی را مورد نظر قرار داد. اول آنکه سلطه امبریا لیسم و نفوذ سرما به امبریا لیستی در اشکال مختلف و گوناگون امتیازات و سها سرتسب در آوردن رسته های نولد و سنا لیست در ایس ریمیه ها... درون مناسبات سیمه نشودا ل سیمه سیمه جریانی ارتجاعی بود که موجب برانگیختن احساسات استقلال طلبانه توده ها میگشت. این جریان در یک دوره بسیار طولانی گذار به غلبه سرما به داری و سنده که عمیقاً متناسب با نیازهای امبریا لیسم است به سها با مناسبات ارتجاعی و قرون وسطایی درون جامعه از درنما در سربیا مدلیکه با آن سازش کرد و در برابر سرتسب خود سوی سرما به مسممی در دا حل، به تسویت آن سرتسب و موجب ساحتی اسر' فرا هم آورد. دوم آنکه مناسبات حسی از سرما به داری را که به سدریج به داری شده سرما به امبریا لیستی بدل گردید سمراد با سقس سرما به جیانی دانستن، سنا کزینا سب درک محدود و وحش اندیشی است، در سنا با سرتسب کرد این سرما به حیات خود را بنیوی نغش انگلی خود و قرار گرفتن در چیا خوب مقتضیات رسد و سکا مل سرما به امبریا لیستی و سرتسب کا رگرا را به در سرتسب سگسنگی کثاندن سرما به داری داخلی است، اس و سرتسب به این صورت انقادی سنی افساده همچون اشکال کلاسیک، سرما به های تحریک و سنا سرتسب که در جریان رسد خود سرما به سنده مدد بود و سنا سرتسب در چیا عالی رسد سرما به داری جامعه محسوب میشدند، سرما به های کوچک - تر را سلسلند و به این سرتسب سیر و سندی سان محمول

مشکل زحمتکشان گرانی، گرانی، سرمایه دار و تاجر عوامل گرانی

دست ارتجاع از مراکز آموزشی کوتاه!

روم جمهوری اسلامی مدتهاست که در ادا مساسات سرکوتگرا به و صد مگرا تیک خود، آموزش و پرورش را سیزده عرصه صاحب و نا خود بدل ساخته است. از آنجا که هات با کما آرتگا هی توده ها همچون حی از سبب الله و عبت دارد، نما می کا سونه ای آگا هی بحس را همد ف حمله ترا ادا هاست و در صد آن است که فرهنگ تاریک - حاصه عرون وسطی را برجا معه منحول ایران مسلط سازد. ارا سر و کا ملا قابل مین بینی بود که بد سبال نویف روربا مه ها و سیریا ت مترقی و سنن معقول وار داننگا هیا، دسرستا سها و مدارس را نیز مضمون از تعویف نگدارد. عملگر در ریم در مورد آموزش و پرورش همچون دنگر مینه ها، کا ربا مه سا هی است مللوا زحنا بیت و کسار، سرکوب و حقیقن که ذکر نموده ها هی چند کا می اس ما ما هت سرکوتگرا به و مدنا نسایی رژیم سیرلا نماد خلوکتری ار سبالیت ساسی دانش آموزان و مورگا ران انقلابی به منظور هموا رفتودن را مصلطه مرشک ارسعا عی، نسعد، اخراج و کا ها اعدا معلمان آگاه و مبارر همچون حسن سلطانی، گرجی سانی، عبدالله قزل حالی راده و... همه و همه در خدمت نسبت رژیم ضد مردمی و صد مترساک جمهوری اسلامی بکا رگرفته مشود.

تنها در یک مورد در سال گذشته ۳۶ تن از معلمان مبارر "سدر عا س" اخراج یا زندانی شدند و همچنین عده ای ادا سش آموزان این شهر بجرم عقیده مورده فریب

و ستم قرار گرفتند (روزنامه مهبا مداد ۵۸/۸/۲۹). در چهاردهم بهمن ماه سال گذشته حملات سازمان یافته و سازمان یافته و چما قداران حزب جمهوری به مدارس و مراکز آموزشی آنها وند "۳" از شده در جریان آن یک معلم مبارز به زندان افکنده شد. در همین تاریخ ۱۵ نفر از آموزگاران "قصر شیرین" دستگیر شدند که منجر به استفساری دوست نغرا ز معلمان شهر به پشتیبانی از فرد دستگیر شده گردید. سازمان در همین ماه به دنبال حمله ای که از طرف خا حاشیا سداران به مدارس "کا میا ران" صورت گرفت، ۶۰۰ تن از معلمان دست به اعتصاب زدند - (نسر به شما ره ۱۲۴ کا نون مستقل) در ۲۱ بهمن ماه سال گذشته یک نفر از آموزگاران شهر ازاک به اتهام فعالیتها ی خلاص دس" از آموزش و پرورش اخراج گردید (خبرنامه مه شتا ره ۱۱۴ کا نون مستقل) در "ایزه" ده نفر از معلمان که به شمعیدگی از همکاران خود معترض بودند اخراج شدند (کیهان ۵۸/۱۲/۲). ذکر نموده های فوق که تنها گذشته سببا رکوچگی اروا قیعت آنچه که در حیطه آموزش و پرورش گذشته است می باشد. برای ادای حق مطلب کافی است رژیمها اسخدا ما سوسانی تحت عنوان "معلمان سروروش و مور تربیتی" و فرستادن آنها به مدارس این محیطها ی آموزش را شدت کنترل میکنند. هیات ها که تحت فشار معلمان و دانش آموزان مبارز آموزشگاهها مجبور به اخراج و تحفبه عنا سرسا واکای و غیره شده، همین معلمان مبارزان نیز دستگیر شده اخراج و یا بازداشت میگردند و برای اعتیاب زگردن آنها، بیشتر مانه نامشان را در ردیف همان ساواکها اعلام میدارد. جالب اینکه احکام اخراج و بازداشتگی اجباری بسیاری از معلمان مبارزان ساواکی بنام "طالقا - نی" مفا کرده است! ایشان تحت توجهات رژیم جمهوری اسلامی سمت رسیدگی به اعتراضات اخراج شدگان را ادا اذ کل آموزش و پرورش استان به عهده دار و جالب - تر اینکه مقامات آموزش و پرورش اخیرا بی بسا واکای بودن ایشان سرده اند!



بقیه در صفحه ۱۵

را به انبوه بیگاران می پیوست و بصورت خیل عظیم فلاکت زده نیمه بیرولتاریا تا متشکل در می آورد و بر خلاف رسد کلاسیک سرما پیداری در اینجا نهما رشمنا یح که بحس وسعی ارتان را بخود جذب کند و بسورت بیرولتاریا متشکل در آورده، بلکه با ورنگسنگی صنایع روروش شدند، خواستنا سودی هم آتا رفتودا لیسو و قطع سلطه میربا لیسو دیگر خواهی دمکرا تبسک رسنه ا تا دظیبی بیرولتاریا، نیمه بیرولتاریا و نیروی اساسی دهقانی را فرا همی آورد و چنین شرایطی کل زحمتکشان و حتی طبقات استثماری، با فساد امیربا لیست و مخالف نظم ارتجاعی و کهنه ها کمرا سه انقلاب جلب منمود. بیورژوازی عمدتا از مبارزان و از سرهای گوناگون تشکیل شده بود، آن بخش از بیورژوازی تجاری که در ارتباط با سرمایه های امیربا لیستی بود بنا به موقعیت خود نه مخالف سلطه امیربا لیسم، نه مخالف جدی فتودا لیسم و برعکس توده ها نه خواستارنا بودی روبنای ارتجاعی جامعه سرده می -

بکا کل سرما به داری در یک مرحله ارجحیت و رسیدن به حساب آت به، سرعکس سرما به دالی در نتیجه بحصار اغساب مالی بوسیله نا بکهای خارجی، عملگر در سگده های نا بکی کدا مساز آن در اختیار امیربا لیسمها قرار داد است. صدور محصولات امیربا لیستی که ساز زرسد سرما به داری امیربا لیستی را سالی می مسوداز بیرون بیورجیسگی کسبه مسند و بیورجیسگی سالی هیچ ارساطی به رسد خود سوسی سرما به داری بد است همچا بکسر بدو حساب سرما به داری که وا سنده - سرما به دالی امیربا لیستی مسند، به معنی بکا کل مالی و خود سوسی سرما به داری نبود. نما ما سنا دویا رک دوران مربوطه به سبها ایس حقایق را نا شند میگردند بلکه همچنان سنا بنگرا ادا ما ب سرکوتگرا به و آرتگا راننگلس و روسه علیه سرما به ملی است. در واقع دستگا ها که شتودا لیلی قاجار، با دست و دلکاری برای ادا مه حیات خود رسنه مساس را برای ناح و نا امیربا لیسمها ترا همی - آورد و ادا این امتیازات با سار با ارقصادی و سیاسی و... کمور در سبب در اختیار مخصصا ب سرما پید امیربا لیستی قرار داد. به همین دلیل است که در آن دوران در کسار مبارزات بوده ها ما سا همدیما و مسازرتگان دالی علیه بیورژوازی امیربا لیسمها سبب، هر چند که ضعف و سوانوی با انا انا ره ای سبب تر است اما سمداد و نوسره مشاهده میکنم که حکومت سگوسده حواسنجهایی دموکرا سیک توده ها را تا سطح در حواسهای بارل خود به عقب رانند و سرمایه های اطلاع طلبانها سبب استتاد شتودا لیلی نا جا رک سبها سنا بکرسا رما ررات توده ها و اعلا ی انقلابی بود، دل سبند.

بیرحال هر درک اجرائی در مورد شرایط عینی آن دوران، عملا با سرمنع خود را در ساحت صحیح ندهده های ذهنی دوران مربوطه و در اینجا هنرهای می سجد همعنا سکه سوجه کجا سه به سبب رندنیروهای مولود و عدم سوجه عمیق به عوام مل سجده ای کومنا سات عمومی سس طبقات تعین میکنند سبب میبود که ما مورثیت واقعی طبقات گوناگون را در صف بندی سس نیروهای انقلاب و صد انقلاب و نیروهای منززل در کسبم.

اکنون بطور سرده مینشوانیم موقعیت طبقات را در شرایط عینی و مشخص دوران انقلاب مربوطه جنس برسیم کنیم. وجود روابط نا به آخر کسبده شتودا لیلی در هم آمیخته با سلطه امیربا لیسم، بحمل فلاکت و ستم را برای توده های زحمتکشان ناممکن مساحت، سعی در تصحیر کردن مواج کلیدی سوسله امیربا لیسم فرمان - روائی سرما به امیربا لیستی در شهر و حریان با فتن در نولسد و نا رتولسد ا حتما عی و مخصصا تا امیربا لیسم برای نولسد محصولات مورد سار را رجهانی در بخش کسا ورزی و... از یک طرف و عدم توانائی نولسد فکرو - دالی در پاسخ به سازه ای مادی جامعه سبب مستدکه کل دهقانان به سنا به نیروی اساسی نولسدکننده ها مع که در روسا ها در حال وابستگی به زمین نگا هدا سته شده بود، ما در به تولید آنچه که خود سنا زدانفتند سنا شتودا لیلی در سبب رانقحطی ازای در می آمدند و آنگا که دسه دسه به سهر مه حرت مگردند، سنا فلاکتی در وجدان روروش شدند، ورنگسنگی صنعتگران و خرابی شهرها و زبندگی پرا دما ر زحمتکشان سپر، آنان

درود بر تمامی شهدای بخون خفته جنبش دانشجویان انقلابی

پیکار



رفیق م- و (سربا زوظیفه) نامه مورخه ۵۹/۵/۲۴-۵۹
رسید از اینکه ما در جریان مسائل درونی پادگان
گذاشته ای متشکریم. خوب بودا سامی کودتای های
دستگیرنده از این پادگان و رفتار روسخا ن قبل از
دستگیری آنها را نیز بر ما می نوشتی. همانطور که
خودت نیز متذکر شده ای که رسانی - تشکیلاتی در بین
سربا زان و نظا میان مستعدا را با بد ز طریق هسته های
مخفی به پیش برد و در این مورد سعی کن با سازمان
ارتباط تشکیلاتی برقرار کرده و هر نمود دیگری، در مورد
اِسوالی که کرده ای، در مورد سئوال اول: هم از طریق
لما رنویسی بر دیوارهای پادگان و هم از طریق اعلامیه
- های افشاگرانه در رابطه با موضوعات داخل پادگان
می توان افشاکاری کرد در ضمن میتوان از مقالات و
مطالبی که قبلا در پیکار راجع به فرماندهان ارتش
نظیر خودچراغ، فلاخی، مدنی و باقری و... آمده است
استفاده کرد (تکثیرتاما می قسمتی از این مقالات و
پخش آنها در پادگان... در مورد افرادی چون مدنی
که در ارتش نیز با بهادرند با دیده سرما زان و در جده ازان
نشان داده که ما هیبتی دار و توانجا ل در مسورد او
کمونیستها چه می گفتند و هر بیان جمهوری اسلامی که
اکنون با او اختلاف پیدا کرده اند، چگونه از وی حمایت
میکردند... همچنین تکثیر و پخش اخبار و توضیحاتی
از کردستان که در رابطه با جنايات ارتش در آنجا در
پیکار می آید از نظر تبلیغی بسیار ضروری است.

در مورد اینکه افشاگریها با ناما زمان صورت
گیرد یا نه، باید گفت مطالب افشاگرانه ای که راجع
به خود پادگان است لازم نیست با اسم زمان ما شود
بهتر است در ابتدا با یک امضای مناسب منتشر شود.
با همانطور که گفتیم مقالاتی که از پیکار نقل و تکثیر
و پخش میگردد، طبیعا به اسم زمان (به نقل از پیکار)
است. و در راه انجام وظایف انقلابی برابرت آرزوی
موفقت داریم.

رفقا A و B نامه مورخه ۵۹/۵/۸-۵۹ شما رسید. در مورد
اولین مسئله ای که مطرح کرده اید بحث با شماست، در
مورد دومین مسئله ما در حال ارزیابی همه جا نبسته
هستیم و تحلیل خود را از این مسئله در سطح جنبش ارائه
خواهیم داد. در مورد مقاله کودتا که ما گفته ایم "ا. ما
یک حساب سرانگشتی نشان میده که ما میریا لیسما گاه،
چقدر کورویی منطبق عمل میکنند... ما این نظرا در
رابطه با موقعیت جنبش خودهای بیان کرده ایم، بنظر
ما با توجه به وجودا عتلائی انقلابی در جامعه و آگاهی
خلق چنین کودتایی نمیتوانست به جا کیمت و تشبیت
با ندهای مزدورا میریا لیسیتی منجر گردد. ممکن بود
آنها در آنجا مبرخی از طرحهای مقدماتی شان پیروز
گردند، اما با مقاومت و مقابله خلق با آنها و وارد شدن
نیروهای انقلابی به میدان مبارزه (در شکل نظامی)

همه و همه عواملی بودند که مانع از به قدرت رسیدن و
تشبیت چنین حکومتی می شد. و این ومع در حالی که
کودتاگران خاش از قدرت بیشتری نیز برخوردار می-
بودند ما در است. در مورد دست داشتن "بخش وسیعی
از جاکمیت... در این کودتا نیز که مورد نظر شماست
تاما ما کتلهای عسلی و تحلیلی قضا با خلاف آن را اثبات
میکند. بطور مثال بهیچوجه نمیتوان ثابت کرد که
بخشی از لیبیرالهای سپید قدرت در کودتا دست داشته-
اند تا چه رسد به بخش وسیعی از آنها.

رفقا پیروز با شیدا! (بعدا از این ناما ما با ن را با
دو حرف فارسی امضا کنید.)

رفیق ف (دانش آموز) نامه ت رسید. در مورد ساده
نوشتن مقالات پیکار ما راجع به کسب و کارها ۶۶ صفحه
پاسخ به نامه ها، در مورد کودتای ارتجاعی مزدوران
امیریا لیسما هم لاسمدانیده که در پیکار ۶۳ مقاله
کودتا: بوظیفه ای امیریا لیسیتی برای سرکوب جنبش
خلق و نیروهای انقلابی و در پیکار ۶۴ مقاله کودتای
آمریکایی نقش ضد خلقی ارتش جمهوری اسلامی و
حامیان آنرا سبب ترس و ملا میکنند. درج شده است. و
مقاله پیکار ۶۴ تا حد زیادی ساده بود می توانست
خواست شما را (بزرگ کردن و تکثیر مقاله) بر طرف
نماید. اما مضمون انتقاد را که ما در چندین مسائلی
را ساده و قابل فهم برای توده ها نوشت کما ملا درست
سند انیمو هما نظور که قلا نسز قول داده ام سعی خواهیم
کرد این نقیصه را بر طرف سازیم.

برای تان در راه پیوند هر چه بیشتر و مستحکمتر با
توده ها آرزوی موفقیت میکنیم.

موضوعی...

بقیه ر صفحه ۸
سیاست و عملکرد ما سات جوابی به آنها در برابر
رژیم جمهوری اسلامی و عدول آنها از وظیفه انقلابی
- شان نسبت به توده های هوادا روغیر هوادا رقیبت.
آنها نمیتوانند بگویند که سیاست ما چنین بوده و یا
لااقل چنین نیست زیرا در این صورت با بستن سیل
اعلامیه های اخیر که بیسما سبتهای مختلف و خطا بسه
اشخاصی گوناگون (از آیت الله خمینی گرفته تا سید احمد
خمینی و داستان و هاشمی رفسنجانی و رئیس جمهور
و...) انتشار داده اند و تا می آنها همدارای مضامین
مذکور در بالا میباشند. انکار شما سندا نگاهی بسه
اعلامیه ها، تلگرافها و نامه های اخیر ماهدین منجمه
تلگراف به آیت الله خمینی، تلگراف به سید احمد
خمینی، نامه به رئیس مجلس و... نشان میدهد که هنوز
مجاهدین کوشش فراوانی را مبدول مبدارند که
واقعیات را آنطور که هست از چشم توده های خلق و
هوادا ران خود پوشیده نگا هدارند. آنها در تلگراف به
سید احمد خمینی و نیز در تلگراف به خود آیت الله
با زهم بطرز غیرمادقانه ای تلاش کرده اند که موضوعی
- های او را از رسمی اطلاع وی از جریانات جامعه
نشان دهند. با زهم پوشیده اند که آیت الله خمینی را از
کل هیئت حاکمه جدا کنند و در نتیجه او را از سیاستها و
عملکردهای فدا انقلابی رژیم جمهوری اسلامی دورنگه
داشته و تیرشده نمایند. بهمین جهت از "محضر امام
خمینی" تقاضا میکنند تا "حاج احمد آقا" و یا یک فرد
دیگری که مورد اعتماد خمینی است را مسئول رسیدگی
به کارهای مجاهدین کنند "تا حقایق چنان که با دیده

کمکهای مالی دریافت شده

۴۴۰۰	ف	۳۷۰۰	د	۷۰۰۰	آ
۲۲۷۱۰	ق	۸۵۰۰	ر	۱۱۰۰۰	"
۵۲۷۱۰	"	۲۳۰۰۰	"	۱۱۷۰۰	"
۹۰۰۰	"	۲۷۰۰	ز	۶۷۰۰	الف
۲۵۰۰	ک	۲۳۷۰۰	"	۳۱۰۰	"
۶۱۱۱۰	ک	۱۵۰۰۰	"	۲۰۰۰	"
۱۶۶۰۰	ک. M	۱۴۰۰۰	"	۴۲۱۰	"
۶۵۰۰	ک. F	۱۳۰۰۰	س	۱۱۰۰۰	"
۱۱۲۰۰	م	۱۳۰۰۰	"	۲۱۵۰	"
۶۰۰۰	"	۱۳۰۰۰	"	۲۲۲۸۰	ب
۶۵۰۰	"	۶۰۰۰	ش	۱۰۹۰۰	ب-ب
۱۲۳۲۰	"	۱۵۰۰۰	"	۵۰۰۰	پ
۱۴۰۰۰	"	۳۱۰۰	"	۱۰۵۰۰	"
۲۳۱۰۰	"	۶۰۰۰	ح	۳۴۰۰	ت
۲۰۰۰	"	۲۲۲۰۰	"	۲۲۹۰	ث
۷۰۰۰	"	۶۰۰۰	"	۷۳۱۰	ج
۹۵۰۰	"	۱۰۰۰۰	ط	۳۹۰۰	"
۳۰۰۰	"	۱۹۱۰۰	"	۱۰۰۰۰	چ
۹۰۰۰	م-الف	۲۰۰۰۰	"	۱۶۰۰۰	ح
۲۸۰۰	ن	۸۰۰۰	ع	۱۹۰۰۰	"
۱۲۸۰۰	"	۶۸۰۰	"	۱۳۰۰۰	خ
۶۲۰۰	"	۱۰۰۰۰	ف	۸۰۶۰	"
۱۰۰۰۰	ه	۱۵۵۵۰	"	۱۱۱۱۰	ی
۲۲۷۰۰	"	۳۰۰۰	ا-ت		

- ۱- مادر مبارزا مبر مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
 - ۲- رفیق مادر ۱۲۳۰۰ مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
 - ۳- رفیق شیرخورد در جریان هجوم ارتجاع بدانتگاه مبلغ ۱۳۰۰۰ ریال کمک مالی انتر رسید.
 - ۴- رفیق (دبیلمه وظیفه) مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ان دریافت گردید.
 - ۵- رفقای هسته هوادا رسا زمان دروا ندمسک، مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
 - ۶- رفیق R - ک ۲۳ از کابلان، هدیه شما همسراه با مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال رسید.
 - ۷- رفقای هوادا رسا زمان در میانها، مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
 - ۸- رفقای "صمد"، هدیه شما رسید.
 - ۹- رفیق گ، مبلغ ۱۲۷۰۰۰ ریال کمک مالی ان دریافت گردید.
 - ۱۰- رفقای فدراسیون محملین و دانشجویان ایرانی در فرانس، هوادا رسا زمان، مبلغ ۲۸۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
 - ۱۱- رفقای اتحادیه دانشجویان ایرانی در آلمان و برلن غربی، هوادا رسا زمان، مبلغ ۲۰۰۰ مارک کمک مالی شما دریافت گردید.
 - ۱۲- رفیق کاووس، هدیه ات رسید.
 - ۱۳- رفقای ۱۷ شهریور "کمکهای داروئی شما رسید.
 - ۱۴- رفیق احمد، هدیه ات رسید.
- رفقا، دوستان!
کمکهای مالی خود را حتما همرا با حرفا و لاسم خود و عددی انتخابی (حداکثر سه رقمی) بعنوان "کد" برای ما بفرستید.

پیروز با شیدا
استحضر "حضرت امام" و عموم مردم برسند، آنها چشم خود را بر روی این امر بیدیهی و روشن می سندنند که آیت الله خمینی "حقایق" را آنطور که با بدانتطور که بیسما هیت طبقاتی خود میفهمد "عموم مردم" عرضه کرده است. آنها این مسئله را تعدا فرا موش می کنند و به چشم توده ها خاک میسازند که ما این امر منظر نکنند که حقایقی که خمینی در رابطه با مجاهدین بقیه در صفحه ۱۳

پیدادگری "دادگاههای انقلاب" علیه انقلابیون و زحمتکشان محکوم است

مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون یابوهای شیخ محمد منتظری (قسمت آخر)

(قسمت‌های قبلی مصاحبه با رفیق تراب پیرامون دروغها و انتقادات شیخ محمد منتظری علیه رفیق ما و مجاهدین و کمونیست‌ها را در دو شماره پیش خوانند. استنادات آن :

سوال: محمد منتظری علت گرایش شخصی ایشان به مجاهدین به ما رکنسم در سال‌های ۵۴-۵۲ را "ناری صهیونیستی" قلمداد می‌کند، ادراکی مورد چه صحتی می‌باشد؟

جواب: منتظری برپا به ما عین طعانی و ایدئولوژیک و بویژه ما سوجه منافع با آورده‌ای که امروز پیدا کرده‌ایم زدرک گزینش ما را رکنسم در سال‌های ۵۲-۵۴ تا خراب است، بهیچ‌گویی ما در منا زده فدا میرا نیستی سه طوری که کل سرما به داری راه هدف فرا در هد برای حربه - بورژوازی بقدرت رسیده‌ای ما ضد محمد منتظری غیر قابل صمیم است. این است که می‌کود ما کوفتن سر خود به سرود بیوار، برای آن تغییر و تحولات نوحیه سازد آتای منتظری سما سنده مجلس شورای اسلامی "سازنده" مطلق الیاسی که در "برکت" جمهوری اسلامی فعال ما پیش است و بی هیچ حساب و کتابی به حبیب افراد رسیده‌ای مبارز و انقلابی را الحی بر اکنی می‌کنند چا غلبه ادعای سما سنده صهیونیسم ما را به "این راه"

که بطور علنی آنها را مستخرسا زیم، اشتراک آنها را سنا - سه اعتقاد استمان - در آن زمان - و وظیفه - شکلاتی حوس، در دستور کار ما گذاستیم، آن کتابها که جمعا ۴ با ۵ جلد مستدیر همان ما و مطالعات ما و سرادرا ن نهیدمان نا آن زمان بود، اگر سخنه‌ای از آنها را در احیا محمد منتظری و کسان دیگری گذاردم صرفا حضا طلاع ارسطرات ما برین داشت ما مورد مطالعه فرا در هم وسعدا ترسطرمان در کل تکلیلات در دست آمد سطر اسان را صحیح کسم، حرفهای او در دفاع از مالکت خصوصی (وقتی که نظرس را راجع به کتاب اقتصاد

با امثال منتظری درست بود تا زه مگر خود او و دوستها نفر هم مگر که داشت با آنها همکار می‌کردند اما سری که بطور اصولی اشکالی هم نداشت، ولی بالطبع در این مورد ما از موضع پرولتری برخوردار شدیم که این مربوط به مواضع سیاسی - ایدئولوژیک خود ما زمان مجاهدین در آن زمان سمری گردد. ما سنا: بکتاب شناخت را آن مبارزین چاپ نکردند بلکه آقای دعا ئی آن را در چاپها به عرفان نجف چاپ کرد و زحمت تصحیح چاپی و نیز مخرج آن را به نفع ما زمان به عهده گرفت، راستی منافع تنگ نظرانه این

کتاب شناخت را "حجت الاسلام دعا ئی" در نجف چاپ کرد و هزینه آنرا پرداخت آقایان محمد منتظری و هاشمی رفسنجانی در سال ۵۴ می خواستند از حیثیت مبارزاتی ما استفاده کرده، مشترکا از دولت لیبی یک ایستگاه رادیویی علیه رژیم شاه بگیریم ولی ما قبول نکردیم. دلیلی که محمد منتظری برای مارکسیست شدن ما می‌آورد نشان دهنده ردالت او و ضدیت طبقاتی اش با طبقه کارگر می‌باشد.

به زمان ساده "میداد" بهیچوجه مراقبت نمی‌کرد، فدیت با استخفا روسما به داری در ما قویتر آن بود که متوا سنا ا استدلایای مدهی خنثی بود، از سوی دیگر سوهما هرگز چنین نبود که بر اساس میل این ما آن در اصول ایدئولوژیک و شکلاتی ما تغییر می‌دهیم، هر چند که نفس نظر خواهی از چنین گمانی در واقع جدا از سبب حربه بورژوازی ما زمان ما هدس نمی‌شود.

با بدنه منتظری گفت سما اگر چنین صورتی داشتند (که نداشتند و خود ما در آن روزها جس خراتی نمی - دادند) در انسا دودید، "خود گنده بیبی" سنا چنین تصور ما مقول را در انسا ا ساد کرده است بک ضرب - المصل می‌گوید: "ا سب را سنا عمل می‌کردند، سوک هم بر با یس را بلید کرد و گفت مرا هم متعل کنید!" ما از شکلاتی ما دسور می‌گرمسم (وسا ما س با وروا طباط سا ما سنا ما عمل می‌کردیم) به ا مثال منتظری که آتعداد از لحاظ سیاسی عفت ما سده بود که وقتی ما را حاش میداد ستم و بدلیل ما فطه کاری و نوم خرده - سورژوا ئی ا صرا در است که "خیر، ما دنا کتیک میرسد!" (حتما بجا طردارند!) و اما اینکه آقای منتظری گفته است "کتاب شناخت را" عضو جبهه ملی دوم چاپ کرد "با ید گویم که؛ و اما ما سده‌ای از عناصر تر قخواه اسرانی که نتح ما جبهه ملی در خارج از کشور (۱) فعالیت می‌کردند همکارای ما می‌کردیم، اصل همکارای ما با آنها درست بود چنانکه در سطح دیگر همکاریمان

آقایان تا این حد آنها را مسخ "فرا مو شکار" کرده است؟! با بدنه منتظری گفت "مملحت اندیشی و فرصت طلسی چنان سنا را مسخ کرده است که فرا موش می‌کنند به انسا ق همین آقای هاشمی رفسنجانی - که در سال ۵۴ به خارج آمده بود - از ما، سنا پندگان مجاهدین (که حالا می‌گویند آنها را منحرف میدانسته‌اند) - خوا سید که با هم در واقع به اعتبار روحیست ما به لیبی برویم و دولت آنجا یک برنا سهرادیوشی فارسی بگیریم ولی ما چون با دیگر سیروهای مبارز ایرانی نیلا نوافقی به همان منظور کرده بودیم به سنا جواب منفی دادیم.

اگر خود ما، روحانیت ما، ... حیثیت و اعتباری ما سنا در آن بروی ما را میخواستند و چه ا لهما لهما فرار دهید؟ و مگر ما دنا سنا است که فرار شما ترتیب سفر محفبا نه‌ای رفسنجانی را به عراق برای دیدن آیت - الله خمینی، سنا درست کردن یک پاسپورت جعلی بدسیم و ما آمدگی خود ما را با کمال میل اعلام کردیم و با سبورت را هم سیر ما دهنده نمودم ولی بعدا ایشان با سنا رفت ایران در سبورت به وساطت موسی مدری - نوافقی رسید که با همان پاسپورت ایرانیش به عراق بیرون رفت و دولت اسران موقع بازگشت مزا حاش نشود! امری که در حد خود سنا ل انگیز بود و هست.

آری آقای منتظری! مجاهدین که در آن زمان جان سرف ما زه می‌کردند و خون میدادند بقول و بنابه اعتراف همکاران ما "حکم بودهای زمان" زاده شدند زیرا سنا در مانگان در پهنه ما زه می توانستند فرصت طلبانه ادعا کنند که "بله، اسلام هم می‌تواند مبارزه انقلابی و متشکل علیه رژیم شاه را به پیش برد، مجاهدین ما میدادند و سنا در آن زمان نا نشا می -

(۱) - "جبهه ملی" مطلقا که ما از یک یا یکا انقلابی با آن مرز بندی داریم و علیه آن مبارزه می‌کنیم ولی آقای منتظری و همکاران از با یگای ا سنا با آن در افتادند تا "جبهه ملی" در خارج کشور سبب ر مصرا ت است.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

◀

خوردید و قویتر شوید را در میگردید و خودتان خوب میدانید و عمدتاً مبارزه‌تان در این خلاصه میشد که هر شش ما هیک با راه‌های رایج و آیت‌الله خمینی می‌گرفتید و همان خوراک جنده‌ها را بود! و همین وضع ادامه داشت تا او خرد ۵۵ اما حالا که بر سفره هیتمای جنبش انقلابی خلق نشسته‌اید بی هیچ ملاحظاتی بر کرسی قانونگذاری تکیه زده‌اید. انقلابیون بد شده‌اند و منحرف و هزار چرندید یگر! حتمیاً بدتان رفته است که در سال ۵۲ از من خواستید که شما و چند نفر دوستانتان را به رفقای ویتنامی معرفی کنم و برایتان از سفارت جبهه آزادی بخش جنوب ویتنام در بند ا دو وقت گرفتیم و آنهمه بی‌مترقی شدن میدادید!

در حالی که شما، این چند تن که ترا هم خطاب به محمد منتظری (نکته هر چند کم‌اهمیت) اما فیه می‌کنم:

مترقی نمایی شما، نمونه‌های دیگری هم دارد که چون برای بعضی مریدان شما، جالب است می‌گویم: بیادتان هست که یک روز ما هرمان در یک پارک واقع در باب شرقی بغداد با من قرار داشتید و سبگاروشن کردید و من که خودم روزها را بودم - وقتی نظرها من به روز خاوری را دیدم بشما تذکره دادم، جواب دادید که "مسافر" هستید؟ البته شما اکنون در شرایط مناسب، شلاق زدن را "تجویز" می‌فرمائید! نمونه دیگر مترقی نمایی شما آن بود که در جریان اعتصاب غذایی که منع زندانها در رژیم شاه مشخصاً آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله منتظری و ... در مقراتحادیه دانشجویان فلسطینی در بغداد، برپا شده بود و شما در آن شرکت داشتید با دختران دانشجویی که به حمایت از اعتصاب کنندگان از محل اعتصاب آمدند می‌گردید دست می‌دادید و حاضرین را از اینهمه "مترقی نمایی" به تعجب انداخته بودید که "آخوند دست دادند به دخترها؟! " ز نظر من آن "مترقی نمایی" هادگر داشته و این مقدس نمایی‌های امروزتان بی ارتباط نیست و در واقع نشان به نرخ روز خوردن است!

بر میگردیم به بحث اصلی ما:

در آن زمان ما در چارچوب مبارزه فدائیمپریالیستی و فدرالیست‌ها و وظیفه خود میدانستیم که با کلیه نیروهای مبارز علیه رژیم در هر سطح - منجمله منتظری در آن زمان - همکاری کنیم و بر این اساس با هم کار کنیم و بطور کلی و در چارچوب یک سازمان مذهبی - نه شیما نبوده منتضی

محمد منتظری عمداً "فرا موش" میکند که حتی پس از اعلام مواضع مارکسیستی از سوی بخش منشعب از س.م.خ. ۱۰. خواهان حفظ روابط با ما بوده است. من یکبار او را در پیز ۵۶ یعنی دو سال پس از کناره‌گیری از اید شولویز مذهبی، در پاریس دیدم و او خواستار ملاقات بیشتر با ما شد و از قطع شدن ارتباط ما با ما گله‌گردد و با هم قرار ثابتنی در دمشق (بست تلفن خانه) گذاشتیم و گفت "اگر کاری با عباس زمانی (اوسورین امروز) دارید ترتیب دیدنش را بدهم" ولی چون آن تماس مربوط به ملاقات رفیق علیرضا سیاسی و عباس زمانی می‌شد و رفیق مامدتی بوده که به ایران برگشته بود به لحاظ امنیتی جواب را به بعد موکول کردم.

بله، این آقایان، پس از اوسورین برار یک‌گه قدرت ویرگرده مردم و مانع از پیشروی انقلاب (هر چند موقت)، در مانندی‌های گذشته‌شان را فراموش می

کنند، گریش خودشان در سراسر تیر و کمان‌های امنیتی را از یاد می‌برند و علیه آنان لحن سزاگویی می‌کنند. آقایان بپهلوان بنشینه‌ها شش نبوده و نیستند. حقیقت بزودی بر تنه‌ها آشکار خواهد شد.

سوال: منتظری در همان مصاحبه‌ها گفته است که شما "با دختر برادرهای ارتش دست‌نصبری در پاریس همکاری نکرده‌اید. همجنس‌گسسه است" دختر برادرهای صبری یکی در سازمان یبکا رفت و یکی به "ساره سرخ" وابسته هم مائوئیست بودند و اصولاً مائوئیستها در خارج از کشور هم‌شان در خط امریکا بودند و هم‌شانها هستند که کارهایشان را به گردستان انتقال دادند. "ودراجی دیگر گفته است: "اس‌سه اصطلاح گروه یبکا رکاً ملادر خط مائوئیست مارکسیستی و مسائل جنسی (!) و شعارهای سازمانی" افتاد (!!) به اس حرفها چه باخی مده‌هد؟

جواب: میبینید که چقدر بریت و بی‌بلاست، اگر از ماتعریف میگردانید تا سف بود در صورتیکه وفنی جنس "آدمی" نه‌فحاشی علیه ما می‌برد از حد اقل نشان می‌دهد که صف ما و این آقایان در مقابل هم قرار دارند و در اسن خودی خود مشت است. این دروغ‌ها و ته‌نهای ستر مایه برای هر کسی که می‌خواهد با شما سرانجام دست‌نصبری است و تا کید می‌کنم که فقط مبین در مانندی محمد منتظری و منافسین در مقابلها جنش خلق و گسترش نفوذ کمونیستها و دیگر سیر و های انقلابی است. اگر او فرهای به "حرمت دروغ" - که ادعا می‌راند دارد، اعتقاد داشت تا بدجنین حرفهای سراب دروغ را نمزد اما واقعیت این است که خرده سوزوهای که با شما نه‌داران متحد شد و در هدف خدا انقلاب قرار گرفته اند اطلاق را برای تحمق توده‌های زحمتکش مجروح و هتک می‌کند که برای سرکوب کمونیستها و انقلابیون سازمان‌بند در میان ما باشد، از هیچ - آری اریح - جناستی علیه آنان خودداری نمی‌ورزند. حرفهای او همان داستان "حسن و حسین دختران معاویه" را ساد می‌آورد، اولاً من دختر برادرهای صبری خاش را نمی‌شناسم. البته اگر هم آنها وجود خارجی داشته‌اند، هرگز گناه عمویشان را نباید با شما نسبتوان نوشت و به سوجه جنس سخنی در سازمان ما نیست.

آیا ردیلاته‌تر و زبون‌تر از این میشود که در رابطه با من کلمات "دختر" و "صبری" ساواکی را ردیف کنند؟ و همینجا می‌رسم با طرح این دروغ از طرف آقای منتظری برای لایوشانی کردن تماس گرم و صمیمانه با یکی از کارمندان سفارت ما در دمشق سنا آقای شریعت نیست! از طرف دیگر ما ربطی به مائوئیستها نه‌سرخ نداشته‌ایم و با لایحه خط امریکا کجا و ما کجا؟ ما زنده لایحه خلق کرد کجا و سیاست سرکوبگرانه امریکا علیه خلقهای ایران کجا؟

با دیده‌ها و گفت: آقای عزیز، دنبال خط امریکا در جاهای دیگر غیر از دولت و شورای انقلاب و مجلس‌تان نگردید. آب در کوزه است، بپوده‌گردجهان نخرخید! کافی است سخن نوکر سرسپرده امریکا زگی بیامنی (و ژیر نفث سعودی) گوش کنید که با اطلاع از ماجراهای پشت پرده سیاست امریکا، در مصاحبه‌ها روزنامه‌ها لسانه چاپ کویت مورخه ۲۱/ ژانویه سال می‌گوید: "اگر امریکا شیها از حفظ رژیم جمهوری اسلامی عقلت

سبیه از منحه ۱۱

در سال ۵۹ یعنی سال امنیت یورش ارتجاع ابعاد گسترده‌تری گرفته است. یک معلم با زدن زدن از کلاس دور از آرمای مهربانی سال در زندانها بوده اکنون سه حرم "نداشتن مذهب رسمی" (۱۹) اخراج گشته است! طبق حرم صدر در کسها ۱۵۴، ۵۹/۴/۹ نفر از علمان فارسی اخراج و باز نشسته شده اند که حرم ۴۰ تن از آنها نیز سنا سن مذهب رسمی بوده است! تمامی شهرها و روستاهای ایران و بویژه گردستان به همین سرنوشت دچار شده‌اند. نقطه اوج این اقدامات ضد دموکراسی و انحلال آموزش و پرورش گردستان است که در گذشته سگی باک نشدنی بر سنا بی رژیم محسوب می‌شود. طی این مدت سخننامه‌های رنگارنگی خطاب به کلیه مراکز آموزشی کشورها درنده‌کده در آن معرفی انقلابیون و طلو - گیری از فعالیت سیاسی و آنگاه گرانده‌نویزاران و دانش‌آموزان بگرات مورد تاقید قرار گرفته است. علاوه بر اینها اخیراً رژیم با اعدای بی‌دینی، علمان آگساره بیرونده جنایت خود را شکنجه‌گر نموده است اعدا می‌داند که فرزندان لاور خلق ترکمن و همچنین همکاران و هم‌زمان حال حاضر را زنده‌ها را سبک‌دستی انجام کسخته رژیم را آزادی و آزادی نشان داد.

بهررواکنون که مدارس تعطیل است و امکان ارتباط - گیری مطلقاً و دانش‌آموزان کلاس یافته، رژیم با استفاده از این فرصت دست به هر جنایتی بر علیه فرهنگیان می‌زند، از این روست که با زدن مدارس و در آستانه سال تحصیلی جدید، بوظایف عظیمی برودن معلمان و دانش‌آموزان انقلابی سبکی خواهد کرد. دانش‌آموزان و معلمان آگاه باید با تمام قدرت خود سنا دهنده‌ها و اولین وابستگانی ترین خواستگاران آزادی همکاران زندانی‌شان را بازگردانند و معلمین اخراجی و غیره به محیط آموزش و پرورش می‌آیند. بی‌گمان اتحاد و همبستگی دانش‌آموزان و معلمان آگاه و انقلابی و مبارزات پیگیرشان، پشت محکمی بر پیروزه ارتجاع خواهد بود.

کندج‌اسران چنان درسی به‌آنها (آمریکا شیها) خواهد داد که آنها را هرگز فراموش نخواهند کرد. به رژیم جمهوری اسلامی می‌باید که جنگ آشنده‌اش با حساب اسران است و امید می‌رود که بدون کمک خارجی نتوانند چپ را سرکوب کنند.

حالا شما نعل و اورهه می‌زنید و زمان بیکار در راه آزادی طیف‌ها را زگر که سنگر مستحکم در دفاع از منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است و من به عضویت اندک امریکام آمریکا می‌شوید مگر نه این است که مردم ما مثل اندر - عالین دانند؟! تحول مومع منتظری و امثال او از یک خرده - سوزوای مذهبی که به نحوی در نفا دومبارزه با رژیم سنا فرار دادند به یک فدا انقلابی و صد کمونیست که پس از رسیدن به قدرت حاصل شده است برای ما مارکسیستها شجعی ندارد. ما از امثال منتظری و طبقه وایدنولوژیان، بخصوص پس از یک تجربه طولانی در سینه‌ها راه انتظار بی‌سن از حد علمی و مارکسیستی اس ندا ریم. میماند و طبقه ما که قتل از هر جز آگاه گردن بوده‌ها است...

تا قدامین کار برای دهه‌داران، داشتن دهه‌ها حق مسلم آنان است

کزارشی کوتاه از مراسم گرامیداشت خاطره پیکارگران شهید رفقا مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی

عصر روز دوشنبه ۵۹/۵/۲۷ سمنان سبزگدا نشست
سهادت دورانی پیکارگر، مراسم درگورستان وادی
رحمت تبریز برگزار شد. در ابتدا پیام سازمان پیکار
(کمیته آزادیان) را خواندند. بعد از آن شاعران
مختصری از زندگی و مبارزات درویشی، سرود کردی "شبه
رقیب" به همراه خواننده درویشی طیب نجم الدینی که از
گردسان آمده بودند، خوانده شد.

آنگاه بهرا در شهید مسعود و عمود و پدر شهید طیب
سخنانی در مورد زندگی مبارزاتی آنها ایراد کردند.
در آن مراسم بیباکیها از طرف سازمانها و گروههای
سیاسی از جمله گروه لاله، هواداران سازمان رزندگان
آزادی، طبقه کارگر، گروه انقلابیون م. ل. - پیکار خلق
و وحدت انقلابی، انجمن دانشجویان و نیز رفقای هوادار
با زمان در همسرود، در مسوا و ردسل و... رسیده بود
که تراشید گردیدند. در مواضع سخنرانها و بیباکیها جمعیت
پیکار و بهیچوجه فراموش نشدند: "مسعود شهیدم قسم به خون سرخست
را هفتاد هفتاد"، "طیب شهیدم قسم به خون سرخست
را هفتاد هفتاد"، "زحمات کسریولوندا، مسعود شهید
اولوبودی"، "زحمات کسریولوندا، طیب شهید اولوبودی".
در پایان، پدرمها و رفیق طیب با وجود مریضی و
کسالت سخنانی ایراد کرد. وی در قسمتی از سخنانی
گفت: "۲۵ سال زحمت کشیدم، هر سربزرگ کردم، طیب
دورا و زحماتش شهید شده و خوش گم نشود. طیب
برای من یک فرزند بود، حالا من هژ را نزنند، ارم
را طیب با بیادنا مه پیدا کند، شما انان مدد دهندگان را ه
طیب هستند."

ما با دیدن گروه خون پاک این دورانی شهید سوگند
باید می کشیم که راه آنها را تا رتقاری حمایتی
دمکراتیک خلق، تا برپا کنی ایرانی آزاد و مستقل
ادا مدهیم.

در زیر سیما سازمان پیکار (کمیته آزادیان) را
به خواننده این دو شهید پیکارگر ملاحظه می کنید.

سیما سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر -
کمیته آزادیان به خواننده درویشی شهید

مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی
شهادت رفقا مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی

اولین حقایق نیست که در این رژیم تفاق می افتد
«سمنان تکه آخرین آن نیز نخواهد بود. رژیم کبکی از
قیام پیکارگرها ۵۷ و بدستال خانبا زیبا و
قیام نیهای مردم دلیرا سقوط دکتا توری ساه و
سند شدن دفتر ۲۵۵ ساله رژیم سمنانها هم قدرت
رسید، از آنجا که سمنان است و سمنان است به خواسته
- های انقلاب با سخ گوید در مقابل انقلاب ایستاد و
این را در قدم به قدم حرکت خود نشان داد در برخورد با
کارگران، با خلق کرد، خلق سرکمن، دانگا و ونیرو -
های انقلابی و کمونیست نشان داد.

مردم که در ابتدا حکومت جدید را حکومت خود حساب
می آوردند با گذشت زمان و قتیکه در زندگی روزمره
خود عملکردهای دولت را تجربه کردند و بدین ترتیب محبت
اشکار بیباکی و روشنگریهای نیروهای انقلابی برایشان

یورش چماق داران و کمیته چماق به کتابفروشیهای نازی آباد

در ادا میوروش و حسانه ارجاع به دستاوردهای
نسا مبهمن ماه ۵۷ و بمسطور گرفتن امکانات تبلیغی
و "قطع رابطه" نیروهای انقلابی و کمونیست با مردم
و همچنانکه نمونه های این اعمال ارتجاعی را قبلا نیز
با رها دیده ایم، در روزهای یکشنبه ۵۹/۵/۲۶ و دوشنبه
۵۹/۵/۲۸ مزدوران حزب جمهوری اسلامی، چماقهای
سرکوبان را به کتابفروشیهای نازی آباد دشمنانه
رشتند.

آنها با سرها بریزی قبلی، در ساعت ۷ بعد از ظهر
سه شنبه ۵۹/۵/۲۸ تکسرگوسان به کتابفروشیها حمله
کردند. اسان درگیری که با مفاومت کتابفروشان مواجه
شد منجر به زخمی شدن و دستگیری عده ای گردید.

بسیار زدنگیری "با سداران انقلاب" تیراندازی
هوایی وارد شدند و سه دستگیری کتابفروشان مبارز
(حتی تا سنا شهادت) دور را ز محل درگیری برداشته و
سمنان زخمیهای حزب اللهی را نیز به عنوان سندرگ کتاب
- فروشان را خود بردند. در جریان دستگیریها، مردم
با اجتماع در برابر آوا دهن کردن با سداران
مانع شدن یکی از کتابفروشیها شده و به اسان ترتیب
انزاجا خود را از این اعمال وحشیانه ارتجاعی سنان
کردند.

این حملات روز بعد (چهارشنبه) نیز ادا مهابت
و طی آن سمنان (دو دختر و یک پسر) زدا شد.

رهبری اس حمله و حسانه را، مسئولان کمیته
حاشی (رئیس کمیته کلانتری) و "هادی خان" (مسئولین
با زحمت کمیته منطقه ۱۳) و عده ای از حاشیهای "معتد"
مانند حاجی جعفری (مناحور و ل) و... سینه ددا شدند
بسیار دستگیری عده ای از کتابفروشان را کردند
- گان ما حرا اعدا مبه برایشی یک راهیما شیبی و سا
مدور قطعنامه ای خواستار شدت عمل سیستم است
کتابفروشان شدند. این تصور میکنند که با برچیدن
کتابفروشیها و جلوگیری از بیخ و سرور نشریات
انقلابی و کمونیستی میتوانند جلوی رشد انقلاب
را بگیرند. اما کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی
بر آنان ریشخند زده و میگویند اگر رژیمهای ارتجاعی
چنان (وا جمله رژیم سرسپرده شاه) توانستند آشفتگان
خمشوده ها را با سرکوب برای همیشه خاموش کنند، شما
نیز خواهید توانست!

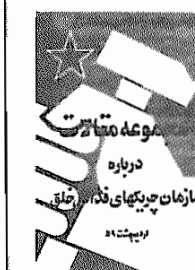
روشن شد، قدم قدم به ماهیت این دولت سی برده و مسرند.
از آنجا که دولت عمدتاً بر توهم و آگاهی مردم
سوار است یعنی نیروهای انقلابی و کمونیست در اعشای
این رژیمهای و سوزهای را اسفال میکنند، رژیم سمنان
سدرسی به این مسئله سی برده اسب دمسعی و سنادس
با این نیروها سعی وافر در سرکوب آنها برای جلوگیری
از کارگزاران گران نشان از همسوزا و به اسب.
شهادت پیکارگران شهید رفقا مسعود صالحی راد
و رفیق طیب نجم الدینی در همین رابطه معنی میدهد.
رژیم جمهوری اسلامی و سداران ارتجاعی عینا که مری
خود را در آگاهی نوده ها و زحمتکشانی بینند - برای
جلوگیری از اسفال این آگاهی سنان نوده ها به هر
سوطنه ای دست سز شدند، اگر با دیروز جمع کردن دکه ها
بقیه در صفحه ۹



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

منتشر شد:

کتاب دوم کتاب "مجموعه
معالجات درباره سازمان
جریکهای فدائی خلق"
منتشر شد. کتاب اول اسن
کتاب را رژیم جمهوری
اسلامی در شاخه جبهه چاخنه
- ای که آن را چاپ کرده
سود به غارت برد.



گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد تقی شهرام

دهم شهریور ماه مصاف است با چهلمین روز شهادت
رفیق محمد تقی شهرام. با شرکت در مراسم بزرگداشت
او که از ساعت ۵ تا ۷ عصر همان روز با حضور خانوادها و معام
آن شهید در بیست زهرا قطعه ۴۱ برگزار نمودند عدا
ارتجاعی او را محکوم و سست به مبارزات انقلابی او
علیه آمریکا و رژیم شاهنشاهی و سزما و سب حسانه -
آفرینان و در زندان جمهوری اسلامی، ادا احترام کنیم.
کمیته بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

رزمندگان و مسئله ریزپونیسیم و سوسیال امپریالیسم شوروی (۲)

اپروزهیج کمونیست سکیری نمینوا ندومصغ
 قاطع. علیه ریزپونیسیم جروحقی وسوسال امیرالیسم
 شوروی هداشته باد، زیرا موضع علیه خروخجسرمو
 سوسال امپریالیسم جزودستا وردهای برحسد مارکسم
 لنینیسم در دوران اخیر بنامی آمد. اس دساوردها
 حاصل مبارزه مدرویزپونیسیم عظمی بود که ارجاس
 مارکسیست - لنینیستهای چپان و از جمله حزب کار
 آلبانی و حزب کمونیست جیب در طی سالهای ۶۰ و ۶۱
 از آن علیه ریزپونیسیم صورت گرفت. در طی اس مبارزه
 مارکسیستی بود که ریزپونیسیم جروحقی به مانع حظ
 مئی بورژواشی و ضد پرولتری اساسا، بحولای کهدر
 شوروی بدستال استغرا ریزپونیسیم موعوسوب
 مورد تحلیل قرار گرفت. و نیز انقلابی سوسال امپری-
 یالیسم شوروی در پرتو آموزشهای مارکسیستی - لنینیستی
 ویراسا بن واقعب عیبی شوروی بسجده کیری و ارائه
 گردید. مبارزه مدرویزپونیسیم علیه خروخجسرمو
 سوسال امپریالیسم بطور مستقیم برعکس مارکسم
 لنینیسم تا بیکرگدا شه و پرولتاریای چپانی را در
 مبارزه علیه دشمنان ریکارگ آندیده برمود. اس
 مبارزه حظ حاصل روسی بن مارکسیسم لنینیسم و
 پرولتاریا از یک سو و ریزپونیسیم و امپریالیسم و پرولتاریا
 و از سوی دیگر کسودیه هس حظ مرحد کویست
 های پیکر نمینواست جردیکری حرما رده علیه
 ریزپونیسیم و سوسال امیرالیسم باد. لسن آموخه
 است که لنینیسم در مبارزه علیه امپریالیسم و سوسال
 نونیسیم ما خه و بردا خه کردید و کمونیستهای چپان
 در دفاع آرا مان پرولتاریا و اکثریتی اندولوری
 کمونیستی نمینواست و نمینواست علیه دشمنان اصلی
 سولیا لیسیم عظمی یعنی ریزپونیسیم و امپریالیسم
 ننگند، این مبارزه دشمنان اصلی مبارزه اندولوریک
 کمونیستها را شکل مندا دومند. اس مبارزه زمانی
 ضرورتی دو جندان سدا کرد که ریزپونیسیم به غیرت
 قدرت سیاسی در یک طبقه اریکورها نائل مده بود.
 بیکر برس کمونیستهای ایران مبارزه علیه
 ریزپونیسیم را نمینواست مضمون اصلی مبارزه اندولوریک
 لوژیک خود اریاسی موده و اس مبارزه را مبارزه
 علیه سوسال امپریالیسم شوروی موده مرسد. آسان
 در حالیکه حظ حاصل روسی بن خود و ریزپونیسیم
 خاش سحجانی منکسد، هس کویسه بردندی در مبارزه
 علیه سوسال امپریالیسم شوروی ارجود پرولتاریا
 آسان مندا شده باد کویسه که شوروی در مارکسیسم
 تحریف منکسد، عمال پرولتاریا یعنی ریزپونیسیم
 و در امپریالیسم و ریزپونیسیم مرسود انقلابی سحجانی بر
 در مقابل و دسا وردهای مارکسیسم تحریف مندا شد
 اگر سحجانی ها در مورد سوسال امیرالیسم
 تحریف پرولتاریا دست مرسد، اس امر مانع آران
 سخوات مده که کویسم ما هس ریزپونیسیم پرولتاریا
 سوده و ما هس شوروی بورژوا امیرالیسم می ماسد.
 هردیدگا هی کهدر عصر امیرالیسم ما هس پرولتاریا
 ریزپونیسیم را نفی کند ا هدیگری نذارده کسده
 ما هس امپریالیسم شوروی را برعکس کده و هردید-
 گا هی که امپریالیسمی بودن شوروی را نفی ماسد

را هدیگری نذارده کسده در استراتژی پرولتاریا
 انحراف وارد آورده وصف دشمنان و دوستان بنس -
 المللی طبقه کارگران انقلاب را مخدوس ماسد.



بورژواشی و ریزپونیسیم سخی از زندان شان چپ
 آراد سده بود. اینان کهدر زندان در مورد مسئله
 شوروی عمدتا از مباح غیر مارکسیستی لنینیستی
 و آنا را لفاظی وحشی ریزپونیسیم تغذیه فکری

● هردید گا هی که در عصر امپریالیسم ما هس پرولتاریا
 امپریالیستی شوروی را نیز نفی کند و هر دید گا هی که امپریالیستی بودن شوروی را نفی نماید راه دیگری ندارد
 جز اینکه در استراتژی پرولتاریا انحراف وارد آورده وصف دشمنان و دوستان بین المللی طبقه کارگران انقلاب
 را مخدوش ماسد.

● در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکایت از جمله در ارتباط با واقعب سوسال امپریالیسم تظاهر پیدا
 کرده است. جریاناتی مانند رفقای رزمندگان بدون شوروی را نفی نماید راه دیگری ندارد
 توضیح مستدل مسئله بردارند. فقط فلسفه شکایت را رایج مینازند و بدین ترتیب دامنه تزلزلات
 ریزپونیسیم را گسترش میدهند.

کیده موده، اس آزادی اربدان علیه درک پرولتاریا
 اریوروسیم و بر مارکسیستی سوسال امپری-
 یالیسم به غیرت دست مرسد و دامنه تزلزلات
 بوجود اگرس مدهد.

۲- در ساطی که حسن کمونیستی بن المللی در
 سراکندگی ساسی اندولوریک و سکا لای به سر
 می برد و ماسدا و احسولنا را نفی می ماسد،
 ریزپونیسیم در ساسی اسکال خود و پرولتاریا
 سوسیم جروحقی و سوسال امیرالیسم شوروی در
 حال غرض می ماسد، بدین سبب اس غیرت س ارجحولات
 مندا انقلابی درخس و اکثریت ریزپونیسیم در آن
 دو جندان کس ماسد. بدین سبب اس غیرت س
 - المللی سروهای ریزپونیسیم سوسا
 موم اندولوریک خود سروهای مارکسیست
 لنینیست را مورد سحجانی خود مندا ردا مدهد.

هما بطور که مثلا کس مده در حسن مارکسیستی
 لنینیستی ایران در سرحورد و اریاسی اس دست -
 آوردهای حسن کمونیستی چپانی انحرافات و تزلزلات
 مستعد و ریزپونیسیم سرور کرده اس و در همین ارساط
 تزلزلات ریزپونیسیم در طرف "حظ ۳" واقعبی ایکار
 - ماسد اس و در سرتزلزلات ریزپونیسیم رفقای
 رزمندگان در ساسال سوسال امیرالیسم شوروی انعکاسی
 اریاسی واقعب ماسد.

رصد ساطی غلب وجودی انحرافات و تزلزلات در
 ساسال ریزپونیسیم و سوسال امیرالیسم حسب برای
 با سحجانی سوسال ماسد ساسال اسای محسود
 اساره کرده و سس سحجانی رفقای رزمندگان می-
 برداریم:

۱- حسن سوس کمونیستی ایران طی دو دهه اخیر به
 - و بردا خاکست سبی حرکتی بر آن غلب مده
 سدی انقلابی را ریزپونیسیم جروحقی اسامانند
 یک سبب ساری سروسد و در اریاسی در غرض
 ما ریزپولتری علیه ریزپونیسیم ماسد. درک
 محدود، مارکسیسم لنینیسم و بردا سببانی لفاظی
 و حده شورواتی آران و ۱۰۰۰ مکان سسرد سیک
 مبارزه مدرویزپونیسیم سرتب پرولتری واقعب موده.

۲- با سحجانی عمدا روس فکری سگلات حسن رسد ماسد
 حبت رسد اسرا لیم و سرتزلزلات و کراساب روس -
 یونسی بوجود آورده اس. در سراط رسد ماره
 ظنیاسی روس سگران حده شورواتی کده پرولتاریا
 ساسال دارنده سبب ماس سس ساسبانی لسالی
 و ریزپونیسیم سوس سدا منکسد، بحولات ساسی
 - احما عی س ارفا مینواست به تزلزلات و
 انحرافات ریزپونیسیم ماسد.

۳- س ارفا مینواست سحجانی بطور محسب، حرمان "۳" در
 عومده مبارزه اندولوریک مدرویزپونیسیم کیرتا ر
 یک حرکت را سروهاده، سرتسفال و اکویونسیستی
 سوده و سوسا سدا سیک غیرت سحجانی سدا سسی
 اندولوریک علیه ریزپونیسیم و سوسال امیرالیسم
 را سس سسرد، سغرضی کس ماسد سسرد سرتزلزلات
 و کراساب ریزپونیسیم در دوران سکلپا را موده
 هجوم پرولتری خود مندا ردهد. در همین زمان حسن
 حپ ایران مواجعا غیرت اندولوریک حسرد -

بدین سبب اس عوامل اسای موده که مرسد
 - ماسد سرتزلزلات در ساسال ریزپونیسیم و سوسال
 امیرالیسم شوروی کرده مده. چنین رسد ماسد
 احاره دادا موج تزلزلات و کراساب ریزپونیسیم
 در حسن حپ ایران و بطور محسب در طرف "حرمان ۳"
 ماسد سکرد.

س ارفا مینواست رزمندگان اریاسی موج سرتسا ماسد.
 یعنی امیرالیسمی بودن شوروی که مخره سخی ساسیر
 - کداری واقعب سوسال امیرالیسم در ساسک و
 استراسی بن المللی پرولتاریا مکرده، سسسی
 ماسا سوسال امیرالیسم ماسد سکی ارضاط اسای
 برای وحدت حسن کمونیستی و ۱۰۰۰ مرحله مواره تزلزل
 ریزپونیسیم رفقای رزمندگان ساسی آمد.

رزمندگان ما هس امپریالیستی شوروی را نفی مینکند

هما بطور که مندا سرتزلزلات ریزپونیسیم در
 ساسال ریزپونیسیم و سوسال امیرالیسم در اسکال
 مخلقی ظهور مینکند، سکی اس اسکال پرولتاریا
 سسار "مندا م، حده ماسد" می ماسد. حرمانی که
 درک پرولتری اریوروسیم ماسد سکی حپان ظنیاسی
 - پرولتاریا سدا رسد و سس اریاسی مسئله سغرا ریزپونیسیم

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

اعلامیه سید عزالدین حسینی درباره سیاست سازشکارانه چریکهای فدائی (اکثریت)

سال دوم - دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۵۹ بهار ۱۰۰۰ ریال

خود در تردس ان ارمدنها قبل حمله به نیروهای سپه
 درجیس مفا و مت طو کرد را آغا ز کرده و سرا سحا مپس
 از مدنی ندارک مقدمات و رسته چینی ، این رورها با
 استشارا کادب ، همان سلسلهات و اسها مانی را که
 سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و دشمنان خلق کرداز
 بکمال بیس علیه من سرا ه ا ندا حسا ند ، نکرار موده اند
 بدس سرتت بحال خود بر موده حسم مفا و سب را
 تکمیل و همه را - خرودس ان - لکده ار کرده اند .
 سازمان چریکها با ان سرا مه تدریجی همسه
 پسونده ای میان خود و حسم مفا و مت طو را برنده است
 تا با حال راحت سعیدانی را که به آت الله پس
 سرده است ، احرما بد .



حاکمیت رویونیسم براندشولوزی و مئی سازمان
 چریکهای فدائی (اکثریت) باعث شده است که فاصله
 این سازمان با سرعت بسیار زیاد و سقوط روزانه از
 نیروهای خلقی و انقلابی زیاد شود و در عوض نزدیکی و
 هماهنگی اثر با رژیم حاکم فزایش یابد . از همین رو
 تعجب آور نیست وقتی میبینیم فدائیان (اکثریت) ،
 نیروهای انقلابی خلق کرد را حنگ افروز و "وابسته"
 مینامد ، بر علیه جنش خلق کرد توطئه میکنند ، بیشرکان
 قهرمان خلق کرد را "فدائیانقلاب" خطاب مینماید و در
 مقابل نه دستبوسی حنا ستکارانی چون بیشتی میروند
 "ملح" و آرامش در کردستان را از هیئت حاکمه جنگ افروز
 کدائی میکنند و به هواداران و اعمای خود در "گسرد"
 تومسه میکنند و تحت فرمان پاسداران صد انقلاب در آیند
 آری غلبه رویونیسم بر "اکثریت" فدائیان چنین
 نتایجی را سار آورده است و این موضعگیری ها و
 سیاست ها و عملکردها از نا رتسمی و با گزیرا کمیت
 رویونیسم بر این سخنرا چریکهای فدائی مینامد .
 اخیرا در راه سیاست سازشکارانه و رویونیستی
 "اکثریت" فدائیان در قبالت حسم خلق کرد و خراب -
 کاری های این رویونیست ها در آن ، اعلامیه مغمطی
 از روحانی مبارز و شخصت انقلابی و دموکرات کرد ، سید
 عزالدین حسینی ، تحت عنوان "سیاست تالی نه تالی گام
 نه گام" سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در
 کردستان "منتشر شده که برای آگاهی خلقهای نهرمان
 ایران و در حمایت از خلق مفا و مودلاور کرده انرا عینا
 تکثیر میکنیم .

پیروز با دنیا رزات دموکراتیک - فدا میرا لستسی
 خلقهای ایران !

اعلامیه سید عزالدین حسینی:

درباره سیاست "فدائی نه تالی گام نه گام" سازمان
 چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در کردستان
 بسم الله الرحمن الرحيم
 "یا ایها الذین آمنوا ان جانکم فاسق بنینا
 فتبینوا ان تصیبو تو ما بجها له فتصحاو علی ما معلنم
 تا دمین"
 ای کسانی که ایمان آورده اند اگر فاسق حوری
 در ایبتان آورده در باره آن تحقیق کنید ما دار روی
 جبالب (در اثر عدم تحقیق در باره آن حبر) با فومی در
 افسدسپس از کرده خودتان سیمان کرده اند) (قرآن کریم)

مردم مبارز و آزادیخواه سراسر ایران! خلقی ستمپایه و ورزمنده کرد!

اخیرا سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت)
 در اقدامی موضعگیری بیس علیه حسم مفا و مت طو کرد
 دست به سلسلهات داده است ، ان سلسلهات

● سازمان چریکها ، خلق کرد و خلقهای ایران را از لولوی پالیسیان و ویسی و
 خطر نفوذ مزدوران بعث و امپریالیسم میترساند تا آنان را با استقرار حاکمیت
 ضد خلقی جمهوری اسلامی راضی کند و ادعای می کند که در صورت ادامه
 جنگ در کردستان امپریالیسم ورژیم بعث عراق از آن استفاده می کنند
 پس باید هر چه زود تر سلاح را بر زمین گذاشت و جنبش مقاومت خلق کرد را
 در محضر رژیم ارتجاعی حاکم قربانی نمود . آنها شهادت قبول این
 واقعیت را ندارند که حتی اگر همه پست فطرتان جهان بخوانند از جنگ
 کنونی کردستان برفع خود سوء استفاده کنند ، گناه از خلق کرد نیست و
 لطمه ای به حقانیت و عادلانه بودن جنبش مقاومت خلق کرد وارد
 نخواهد آمد ، بلکه گناه آن تنه پاه گردن هیات حاکمه ضد خلقی است که
 این جنگ ظالمانه را به ما تحمیل کرده است .

این بحسین نارسیست که انعاماتی از ان فصل در
 مورد س مطرح مسود ، ان حرفها از بی کهنه و مقدر از طرف
 آخوندها ، بران رژیم ضد خلقی و - دشمنان خلق کرد ،
 نکرار رسده اند که دهان عادت کرده اند ، حال آنکه
 همه کما سکه در خط هیا - حاکمه ارتجاعی قرار میگیرند
 به سروری آرآیان ، شروع سرداری و اسها مفا و شخصی را
 دشمنانه ای خود فرار مدهند ، معمولاهم نسوان رشوه
 و سبکی برای جوشا سدها ت حاکمه به من حمله می -
 کنند با بلکه مورد قبول و عتاب قرار گیرند ، صما سا
 منحرف کردن ، مثال حبش به سیرا تها مفا و شخصی می
 - کوسد حرا نا ساسی و انقلابی را لوث نموده و از
 حواسکوشی نه مثال اناسی حسم نه حالی کند .
 من سا کوس در برابر اسکونه سلسلهات و انهاما ت
 عده سخن خود میا سکوت حواسکون موده ام مردم هم تماوت

انسان در خدمت ؟ هدف سیاسی آن سازمان است :
 اول - بر دیکسی با هات حاکمه جمهوری اسلامی
 و تا شده ساسیای مدخلقی و سرکوبگره آن سدها نه
 با اصلاح مفا رر ه صا میرا لستسی .
 دوم - تضعیف و تحریک حسم مفا و مت طو کرد و
 سلیم در مقابل یوری و حسا نه هات حاکمه سدها نه
 مفا رر ه صا نفوذ مزدوران امبرالیسم ورژیم بعث عراق
 در کردستان و با سار دروعین جلوکری ار "حکمران در
 کنی" و استرا رطلع عادلانه .
 سازمان چریکها (اکثریت) منظور آمان ده کردن
 رمنده افکار عمومی برای سوجه ساس سلیم ظنا نه
 (۳) - "ناس نه تالی تک" ، دطلاح ساسی کردی است به
 معنای ستم شدن و سلاح بر زمین گذاشتن و انطالق حسم

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

خود را در عمل نشان داده اند، اما چون هدف سازمان چریکی از این تبلیغات، ضربه زدن جنبش مقاومت خلقی بود و توجیه سیاست "ناشی به نال" خود در کردستان است وظیفه خود میداند شبه منظور روشن کردن مسئله برای مردم ایران و خلق قهرمان کرد، سوابق امر را با اطلاع عموم برسانم.

سازمان چریکی، این حملات را از نوعی آغاز کرد که در مرکزیت آن گرایش به هاست تا حاکم مطلق شده بود اما قبلا هم برای خلق کرد مطرح بود که چرا سازمان چریکی در دوران جنبش مقاومت فعال نبود. در حالی که پیشمرگان نیروهای ملی و انقلابی کردستان و هم چنین مردم مسلح شهرها و روستاها در مقابل بیورش و حشیا نه هاست تا حاکم در ۲۸ مرداد ۵۸ قهرمانان نه ایستادگی کردند، و با تعرض متقابل خود طرف دو ماه اشغالگران را با شکست فاحش روبرو ساختند. جسر سازمان چریکی خود را از مقابل بله و درگیری با هسب تا حاکم کنتر می کشید؟ در آنوقت این پرسش، بسن از همه ذهن هواداران و پیشمرگان سازمان را که سردرگم شده اند، بخود منشول کرده بود. حتی عده ای از هواداران و پیشمرگان انقلابی آنها تا کز بریدون اجازت مرکزیت و با نا مدیگری بچنگ اشغالگران ضد خلقی میشتا فتند و در این راه مقدس شهید میدادند. با وجود این موضع انفعالی، بنا به سابقه مبارزاتی و نقش مثبتی که در سطح ایران داشتند، هنگام مگوشش برای تشکیل شورای همگاری مقاومت کردستان "در شهریور ماه ۵۸، از شاخه کردستان سازمان چریکی نیز مانند حزب دمکرات و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) دعوت بعمل آورد تا بدینوسیله آنها همه به شرکت فعالانه در جنبش مقاومت و ادراوت شویق شوند. با رها تیغ زدن طول دوران اول مقاومت عواقب سوء بکار نرسیدن تمام امکان نشان در جهت تقویت جنبش مقاومت را به مسئولان شاخه کردستان یادآور شد و آنها میگفتند که با مرکزیت خود را این بار هدچار مشکلاتی شده اند. معینا در جریان مذاکرات و تشکیل هیات نمایندگی خلق کرد هم، بعلمت داشتن مواضع مترقی و مبارزانشان علیه هیات حاکمه ارتجاعی، و بدلیل آنکه شرکت یک سازمان سیاسی سراسری برای تبلیغ گسترده در سطح شور و استحکام پیوند مبارزاتی خلق کرد با دیگر خلقها و آگاه نمودن مردم ایران از حقانیت و عادلانه بودن جنبش مقاومت خلق کرد مفید به نظر میرسید، روی مسئله شرکت سازمان چریکی با فشاری نمودم.

در آن روزها عده ای با شرکت سازمان چریکی در هیات نمایندگی خلق کرد مخالفت میکردند و مسئله از طرف مردم هم تا حدود زیادی مورد سؤال بود. بعلاوه هیات ویژه دولت هم شدت با شرکت آنان (کومله) در مذاکرات مخالفت میورزیدند. سرانجام امر را من در آستانه آتش بس، شاخه کردستان سازمان چریکی در هیات نمایندگی خلق کرد وارد شد.

میتوان گفت که همزمان با تشکیل هیات نمایندگی خلق کرد، برای ترغیب پیش سرب مرکزیت سازمان به هیات حاکمه ضد خلقی (بدنمال ماجرای سفارت آمریکا)، در سیاست شاخه کردستان نسبت به جنبش مقاومت تغییرات قابل توجهی حاصل شود و کم کم به ایرادات آنها منسبت به نیروهای مترقی و ایجاد و هم او پیش بذرتزلزل در صفوف جنبش برداختند، البته آنچه تا آن در برده می -

گفتند، از طرف مطبوعات و محافل وابسته به رژیم و دشمنان خلق کرد با صراحت و فاحش آشکارا تبلیغ میشد اما با توجه به عکس العمل فاطح و انفعالی مردم کردستان سازمان چریکی جرات را از مخالفت علنی با جنبش نداشت و سیاست دیگری، سیاست نخرب از درون و تسلیم گامها را در پیش گرفت.

در جریان سخن بکما هم مردم سنجند و ضرورت پیشبیا نی از آن و کسرس مضمون اعتراضی آن به سران کردستان، که در آنموقع گام مهمی در اعتسلائی جنبش مقاومت شفا رمبرفت، سازمان چریکی به یانه همزمانی آن با جریان تیریز و بدلیل موضعگیری بستیبانی از با صلاح جناح فدا میرا لیست هسات حاکمه علیه لیبرالها، از بستیبانی فعالانه از مردم سنج سران زردن و حنی اصرار داشتند که من دعوت اعتصاب عمومی و تظاهرات سران سری ۱۶ دی ماه سپهر - های کردستان را نلنوکنم. در آنموقع براسن توضیح داد که بستیبانی از مبارزه مردم سنج و اعتلا بخشیدن به جنبش مقاومت در جهت کسب حقوق عادلانه خلق کرد به تقویت دموکراسی در سران کما میکند و به معنای بستیبانی از هیچ جناح ارتجاعی در مقابل جناح دیگر نیست.

پس از بیا ن پیروز مندا نه تحسن مردم سنج، هنگام شروع جنگ کامیاران و در برابر صلح سلاح نیاه روزگاری سازمان چریکی به "گومه له" حمله کرد و از هیچ کوشی جهت ایجاد و اهماجرا و جناح ل و لوت کردن جنبه انقلابی آن عمل در بخت نورزید. در رابطه های همین مسئله، پس از مدتی (چند روز قبل از جنگ اخیر) موضوع اعزام هیات از جانب مبارز برای مبارزه با نیروهای کومله و روزگاری بزرگ نمائی کرده و از آن تبلیغات مسمومی بر راه انداخت. علیرغم امر از مردم بخاطر حفظ وحدت صفوف هیات نمایندگی خلق کرد بسویژه در موقع شروع جنگ از با سخگویی خود داری کرد و بسویژه داری شفا هی در مورد ضرورت رعایت اخلاق سیاسی و پرهیز از دروغ و افترا اکتفا نمودم. در حقیقت آنها عمد افرا موش کرده بودند که من بعنوان یک روحانی مورد اعتماد مردم، محل مراجعه اشخاص گوناگون هستم. در آنوقت عده زیادی از روحانیون منطقه و مریدان و منسوبان خانواده نقشبندی بطور مکرر بمن مراجعه کرده، خواستار آزادی افراد دستگیر شده ان خانواد بودند. بسبه مقتضای موقعیت روحانی خود به منظور برآورد کردن درخواست مراجعین، هیات را برای حل مسئله اعزام نمودم. مبارزه با کومله با وجود عدم تمایل کومله به انجام گرفت و خارج از این مسئله هیچگونه بندوبست یا مذاکره در جریان نبوده است.

براستی سازمان چریکی در این قضیه چه چیز عجیبی کشف کرده بود؟ چرا ببنگه عمدا میخواست یک مسئله ساده و عادی را مرموز و پیچیده نشان داده سپس نامسبا روزگاری را دستاویز پیش بدیبینی و متهم کردن نیروهای انقلابی به وابستگی و جنگ افروزی نماید و از این راه لطمه ای به جنبش مقاومت زده و خدمتی به هیات حاکمه کرده باشد.

بالاخره هیات حاکمه ضد خلقی و ارتجاعی جنگ دوم را در او خرفوردین ۵۹ بخلق کرد تحمیل کرد. از شروع جنگ عملی دوم تا کنون علیرغم مقاومت قهرمانان مردم کردستان و بیجای شرکت فعالانه در آن، سیاست

سازمان چریکی در جهت نزدیکی به هیات حاکمه و تضعیف جنبش مقاومت و تبلیغ عوام فریبانه در برابر با صلاح جلوگیری از جنگ برادر کشی و امکان استقرار صلح عادلانه و غیره... با سرعت و صراحت بیشتری ادامه یافته است. این سیاست فرصت طلبانه بجدی با واقعیت مبارزات در کردستان و سران سازمان در تضاد بود که با عت روز سحران شدید و اشعار در درون سازمان نیز گردید.

اما سازمان چریکی (اکثریت) همچنان سیاست کجروا نه خود را با عت دولجاج ادا مدهاده، بطوریکه همه سعیدات خود را در قبالت هیات نمایندگی خلق کرد نیز زیربنا نهادند. آنها میترسند که مبارزات در نتیجه گسترش مقاومت در کردستان مجبور شوند از حاکمیت فاصله پیدا کنند. آنها خود را صلح دوست و مستقل و دیگران را جنگ افرو و وابسته معرفی میکنند. با زنگاری فرصت طلبی خود را برنا مصلح قلمداد کرده و دیگران را سه نداشتن برنا ممشخص جهت برقراری صلح در کردستان متهم مینمایند. گوئی عمدا فرا موش کرده اند که تشکیل هیات نمایندگی خلق کرد و مادگی دائم آن برای مذاکره اعلام آتش بس، تهیه طرح ۸ ماده ای و ۲۶ ماده ای بعنوان مبنا ی مذاکرات، تلاش بیگیر برای جلوگیری از جنگ مجدد و حفظ متانت انقلابی در مقابل هیات حاکمه... اینها همه طرحهای مشمی بودند که سازمان چریکی سابقا خود نیز در تدوین آن شرکت داشته است.

همچنین فرا موش کرده اند که هیات حاکمه بنا به اعتراف صریح سران جمهوری در طول مذاکرات قطع نظرا زمان نورهای تفرقه افکنانه و نداشتن رگ جنگ مجدد هیچ برنا مدیگری نداشت. آنها پس از تمویل جنسگی مجدد و بخصوص بعد از عدم قبول آتش بس بکطرفه هیات نمایندگی و اعلام ردهرگونه آتش بس و مذاکره از طرف هیات حاکمه ارتجاعی، دیگر خلق کرد غیرا زقا و مست مسلحا نه چه برنا مای می توانست داشته باشد؟ هنگامی که هیات حاکمه برنا مای جنگ ظاهرمانا در ما هونا کزیر برنا مای مقاومت عادلانه داریم، بنا با شکست دادن نیروهای سرکوبگرش در نهایت صلح دیگری به او تحمیل نمایم. اما سازمان چریکی، در شرایطی که هیچ برنا مای ای جز مقاومت مسلحانه نمیتواند راهگشای اقدام موجودیت خلق کرد و جنبش حق طلبانه خود مختاری کردستان باشد، تحت عنوان پوچ و بی محتوی استقرار صلح عادلانه و جلوگیری از برادر کشی چاره را در تسلیم و رفا جستجو کرده و در واقع از همان راهی میروند که در ترکمن صحرا پیبوده بود. سازمان چریکی، در ترکمن صحرا، نه تنها خون شهیدان خلق ترکمن، بلکه دست آوردهای مبارزات حق طلبانه، این خلق مبارز را نیز بر باد داد. آنها با تنها گذاشتن خلق ترکمن در روز سختی و کمک با استقرار حاکمیت ضد خلقی رژیم در ترکمن صحرا ضربه زیا ن بخشی بر مبارزات خلقهای ایران وارد آورد.

البته اگر در کردستان هم نیروهای دیگری در رهبری جنبش مقاومت فعالانه شرکت نداشتند و اگر خلق کرد قهرمانان نه در مقاومت بوده ای شرکت نمی - جست، شاید سازمان چریکی میتوانست با ش خود را بدون سروصدا و بدون بحران عملی سازد. اما خوشبختانه وضعیت واقعی پیشرفت کمی و کیفی مبارزات خلق کرد، ورشد نیروهای انقلابی و مترقی در کردستان، به

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

پیکار

خلقی وضا میربا لیست بداند نیم؟
 رهبران سازمان چریکها با سیاست بندوبست و
 سازش پنهانی بهدنبال لهروی و تاخیرچنین هیات
 حاکمه ای میبپردازند. آنها در رابطه با زودخوردهای
 ارومیه و شاهیندژ، ماهیت جنا پیکارانه هیات حاکمه
 و خصلت ظالمانه جنگ تحمیلی را نادیده گرفتند،
 پیشمرگان جنبش مقاومت را "فدا انقلاب" میخوانند و
 از پادشاهان سرکوبگر حمایت میکنند. آنها صفوف
 جنبش مقاومت خلق کرد را ترک کرده اند و در شرایطی
 که پیشمرگان فدائیان را با همان مشقات جنگ تحمیلی
 را بر خود دهموار میکنند در شرایطی که من با ضعف بنیه
 و مالخوردهگی در میان پیشمرگان و در کوهستانهای
 کردستان بسمیرم و آذربایجان در آستانه یورشها
 نشسته اند تا بخاطر خود جنبش مقاومت خلق کرد و
 پیشمرگان فدائیان را لجن مالی کنند؟
 آیا شما این سیاست را یک سیاست انقلابی میدانید؟
 آیا این همان راهی نیست که حزب توده میبرد؟ آیا
 قضاوت کنید اگر چنین نیست راه خود را از راهبران
 فرصت طلب سازمان چریکها جدا کنید تا از جنبش مقاومت
 خلق کرد و مبارزات خلقی ایران جدا نشود.

خلق ستم دیده و رزمنده کرد!

جای تعجب نیست اگر سازمان چریکهای (اکثریت)
 با انتشار رجلیاتی در نشریه "خبر" ۵۹/۵/۱۳ مرا نیز
 مورد حمله و اتهام قرار داده است. آنها در سیاست تسلیم
 به هیات حاکمه ضد خلقی و پشت کردن به جنبش مقاومت
 خلق کرد، تا آنجا جلو رفته اند که رسماً از پادشاهان
 سرکوبگر حمایت کرده و پیشمرگان فدائیان را حزب دمکرات
 را که در شاهیندژ و بندار و میهن میجنگیدند "فدا انقلابی"
 خوانده اند. بنابراین دیگر از اینکده مراد مورد تهمت و افترا
 قرار داده اند تا مسافرت نیست زیرا من خود از پیشمرگان
 کردستان جدا نمیدانم. پیشمرگان به وظیفه انقلابی
 خود یعنی جنگیدن با نیروهای سرکوبگر هیات حاکمه
 عمل کرده اند، من هم در حد توانائی به وظیفه خود عمل
 کرده و خواهم کرد.
 وظیفه من بعنوان یک شخصیت روحانی مورد اعتماد
 خلق کرد، تشویق و ترغیب توده های وسیع مردم
 کردستان به مبارزه در راه کسب خودمختاری کردستان
 در ایران است. آزاد دودموکراتیک میباید شد. بعد از فرمان
 شوم ۲۸ مرداد پارسال و هجوم وحشیانه به کردستان وظیفه
 خود را جلب یشتیبانی هر چه وسیعتر مردم به جنبش
 مقاومت خلق کرد و تشویق مردم کردستان از زن و مرد و
 پیرو جوان و شهری و روستائی به ایستادگی در مقابل
 اشغالگران و سرکوبگران دانسته ام و در این راه خود
 نیز دوش بدوش پیشمرگان، شرایط سخت کوهستانهای
 کردستان را بجان خریده و در صف مقدم جنبش مقاومت
 خلق کرد به مبارزه ادامه داده ام.
 آشکارا است که به مقتضای موقعیت خود در ایستادگی
 با افراد و شخصیتها و جهات سیاسی گوناگون برخورد و
 ارتباط داشته ام. از روحانیون، اشخاص با نفوذ
 کردستان، روسای عشایر و ایلات گرفته تا بازاریان و
 محترمان شهرهای کردستان، از زحمتمندان شهرها و
 روستاها گرفته تا دانش آموزان، دانشجویان معلمان و
 روشنفکران، از گروههای انقلابی و مترقی گرفته

مسلح سازمان چریکها دیگر از امتیاز و احترام و محبوبیت
 خاص پیشمرگان کردستان برخوردار نیستند. مردم
 شهرهای کردستان به آنها اعتماد ندارند و مردم دهات
 آنها را از خود میرانند، زیرا سازمان چریکها بخاطر
 نزدیکی به هیات حاکمه تنها خود را از جنبش مقاومت
 خلق کرد گنا ر کشیده، بلکه همه فعالیت خود را در جهت
 لکه دار کردن و توطئه چینی علیه جنبش مقاومت متمرکز
 کرده است.

به گمان من سیاست تسلیم طلبانه سازمان
 چریکها (اکثریت) در کردستان به دنبال سیاست آنها
 در قبایل خلق ترکمن، مسئله اشغال دانشگاهها و بطور
 کلی تسلیم در برابر برسیا ستیهای سرکوبگرانه و خونین
 هیات حاکمه ضد خلقی در سراسر ایران نشان میدهد. سقوط
 سیاسی و به معنای پشت کردن به مبارزات دمکراتیک
 خلقی ایران میباشد. سازمان چریکها بدنبال این
 سقوط سیاسی از نظر اخلاقی هم سقوط کرده است که نمونه
 آن در نامه های آن نسبت به خلق کرد و دروغ پروری در
 باره جنبش مقاومت خلق کرده ما دیده میکنیم.
 لازم است یادآوری کنیم که مبارزات خلق کرد جزئی
 از مبارزات خلقی ایران است. بنابراین انتظار
 داریم که همه مبارزان راه آزادی و دمکراسی همه
 زحمتمندان و خلقیای ستم دیده ایران همچنان از جنبش
 مقاومت خلق کرد پشتیبانی نموده و در راه استقامت
 چه بیشتر بیوند مبارزاتی خلقی ایران علیه ناپایداری
 پراکنی بی اساس قاطعانه مبارزه کنند.

هوادران صادق و انقلابی سازمان چریکها (اکثریت) در سراسر ایران!

در حالیکه رفقای شما هر روز به دست هیات حاکمه
 دستگیر و اعدام میشوند، رهبران سازمان چریکها
 (اکثریت) همچنان بدون توجه به جنایات هیات حاکمه
 به سیاست تسلیم و سازش خود ادامه میدهند و باین ترتیب
 روح انقلابی ستمهای انقلابی و میراث انقلابی شده -
 بیتان را پایمال میکنند. آنها برای سوجیه نزدیکی
 خود به هیات حاکمه جناح خلقی وضا میربا لیست برای
 آن اختراع می کنند و شاه را در دربار می گردانند -
 اندازند. چگونه میتوان رژیم پهلوی را با این همه جنایات
 امیربا لیست دانست؟ آیا فرمان یورش به کردستان،
 قتل عام هزاران نفر از مردم بی دفاع و تیرباران ده
 ها نفر از جمله زنان و دختران انقلابی کرد، ویران کردن
 شهرها و روستاها، نابودی محصولات و محاصره و فشار
 اقتصادی، برقراری حکومت نظامی و خفقان فاشیستی
 در شهرهای اشغال شده کردستان و اخراج دسته جمعی
 کارمندان و معلمان مبارز، مسلح کردن فئودالها و
 جاها علیه زحمتمندان کردستان، همچنین سرکوب
 خونین خلق ترکمن، زحمتمندان انزلی، دکه داران،
 زنان مبارز، اشغال خونین دانشگاهها و اعدام هسر
 روزها انقلابیون در سراسر ایران، بستن دفاتر سازمان -
 های سیاسی و برقراری سانسور و خفقان و سلب کلیه
 آزادیهای فردی و اجتماعی و دستگیری هزاران تن
 از جوانان انقلابی بجرم فعالیت سیاسی و مصادفای نمونه
 از سیاست سرکوبگرانه و خونخوارانه هیات حاکمه
 جمهوری اسلامی اجازه میدهند که آنها را با جناحی از آنرا

سازمان چریکها اجازه نداده است که در سرنوشت جنبش
 مقاومت خلق کرد نقش مهمی داشته باشد و بتواند آنرا
 قربانی سیاست فرصت طلبانه خود نماید.

درست بهمین دلیل سازمان چریکها ناچار شد
 برای اجرای توطئه تسلیم گام به گام خود در کردستان
 راه طولانی تری را طی نماید. بنا بر این از یک طرف با
 مذاکرات و بندوبستی پشت پرده با آیت الله بهشتی
 و دیگران، تلاش کرد تا هیات حاکمه ارتجاعی را "حالی"
 کند که برای خالی نبودن عریضه و فریب مردم بیک
 "حداقل" امتیازی به کردستان بدهد. کاری که دیگران
 با تهیه "طرح خودگردانی" و صرف نیروی فراوان از
 عهده آن بر بنیادهای بنیادین، (البته هیات حاکمه بنا به
 ماهیت ارتجاعی خود "ناحالی" تر از آن است که به
 نصیحت یا راهن مشفق خود گوش فرادهد). و از طرف دیگر
 با بستن آنها موجد و روحانال تبلیغاتی در بساط
 وابستگی نیروهای انقلابی کردستان و بزرگ جلوه
 دادن خطر توطئه مزدوران امیربا لیست و رژیم بعث
 عراق، جنبش مقاومت خلق کرد را آلوده سازد، خصلت
 عادلانه آنرا نفی کند و در نتیجه روحیه مقاومت را هم
 از پای بوهیم از رهبری دجایر بحران نمایند تا بدین
 ترتیب دستور العمل آیت الله بهشتی را اجرا کرده
 باشد.

اما هیات حاکمه ضد خلقی با پدید آمدن نیکه با بند و
 بست پشت پرده و جلب نظر سازمان چریکها (اکثریت) در
 جهت با مصاحبه "استقرار" کمیته جمهوری اسلامی "در
 کردستان" راهیائی نخواستند و در عهدت این سازمان
 برای اخلال در مبارزات مردم کردستان هیات حاکمه
 را از شکست حتمی در برابر جنبش مقاومت خلق کرد
 نجات نخواهد داد.

من با سرفرازی به همه خلقهای ایران مزده می -
 ده که هم علیرغم اینکه همکارانکشیها و تلاشهای مذکورانه
 اینک در کردستان هم سیاست سرکوبگرانه هیات حاکمه
 و هم سیاست سازشکارانه سازمان چریکها با شکست مواجه
 شده است و در دو وجه جنبش مقاومت خلق کرد، با شکوه تر
 و نیرومندتر از دوران اول با استواری سخرده ها و کوههای
 سربلک کشیده کردستان، اشغالگران و فرصت طلبان را
 به خسران و ناکامی دچار ساخته است.
 اینک توده های مبارز و وسیعتری از مردم کردستان
 به جنبش مقاومت جلب شده اند، و پیوند میان آنها و
 نیروهای انقلابی و ملی فشرده تر و گسترده تر از همیشه
 است. پیروزیهای بی دردی پیشمرگان قهرمان، روحیه
 انقلابی مردم را بالا برده و دشمن را در وضعیت دشواری
 قرار داده است.

خلقهای مبارز ایران!

سازمان چریکهای فدائیان خلق (اکثریت) در راه
 سیاست سازشکارانه خود اکنون عملاً در کردستان "شأن
 به تال" کرده است. یعنی در مقابل یورش هیات حاکمه
 تسلیم شده و سلاح بر زمین گذاشته است. و اگر اوائل در
 جنگ مقاومت شرکت داشته است اکنون از این کار
 پشیمان بوده و طلب مغفرت نموده است. در نتیجه
 اندک پایگاه خود را هم در میان خلق کرد از دست داده
 است. عدالت طلب توجیهی از هواداران صادق و انقلابی
 آنرا برای ادامه زنده در صفوف جنبش مقاومت خلق
 کرد سازمان را رها کرده اند. برخلاف گذشته، افسرد

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایزانی مستقل و دموکراتیک

تا شخصهای سیاسی و ملی و مذهبی درسرا سرایران به درجات مختلف با من دوستی، آشنائی و ارتباط داشته اند و من کوشیده ام که باسی طیف گسترده را درجهت تقویت و پیشبینی جنبش مقاومت خلق کردرا هماهنگی نمایم.

هنگام شروع جنبش مقاومت، علاوه بر پیشمرگان نیروهای سیاسی، بسیاری از مردم درسرا سرکردستان مسلحا به مقاومت و دفاع برخاستند که تا آنوقت در هیچ سازمان سیاسی متشکل نشده بودند. در شرایطی که سازمانهای سیاسی کردستان، هنوز آماج دگی و تسخیر سازمانهای آنهمه سرور را ندانستند، این طیف وسیع از مردم کردستان، غالباً خود را بمن نسبت داده و من هم آنان را بمقاومت و تقویت نیروهای سیاسی مترقی و انقلابی تشویق نموده ام.

بدیهی است که من دارای تشکیلات سیاسی یا نظامی نبودم و بنسبت، واز نیروهای انقلابی و مترقی کردستان تا آنجا که در مسیر خلق کردبا شنیدیم تا نیکی کرده و خواهم کرد، با آنها به وظیفه آگاه کردن سازماندهی سیاسی و نظامی توده های خلق کرد عمل کنند. این کار وظیفه من آنهاست. وظیفه من به عنوان یک شخصیت روحانی که در مابارزه هستم، اعتلا بخشیدن بحرکت عمومی مردم و تسویب و تقویت هماهنگی و همکاری سازمانهای سیاسی کردستان با یکدیگر و با مردم بوده است.

درا این زمینه، من ارتباطات فراوانی داشته ام و جزا شنان و جاشها و برتجان شناخته شده، همه اشخاص و گروههای سیاسی را که بمن مراجعه کرده و خواهان فعالیت بوده اند، به من راهنمایی کرده و در مواردی هم بصورت کتبی یا شفاهی مردم معرفی نموده ام. اما بدیهی است همه آنها، خود مسئول عواقب اعمال خوب و بد خود میباشد و البته ممکن است در این میان عده ای هم در مسیر انحراف و وابستگی افتاده باشند.

ناپیدا سازمان چریکها - ناخه کردستان فراموش کرده که خود یکی از این گروههاست که بارها مسئولان و کارهای خود را با معرفی ما به من بدهد تا و منطبق کردستان فرستاده است. و من بارها از آزادی فعالیت سیاسی آنان در کردستان درسرا سرافرا دیگران دفاع نموده ام. زیرا دفاع از آزادیهای دموکراتیک در سطح کردستان را از وظایف خود دانسته ام. در آن زمان سازمان چریکها در مسیر خلق کرد درای نقش مثبتی بود و اگر امروز جنبش مقاومت خلق کرد را بخاطر نزدیک شدن ما به آنها تا حاکمه ترک کرده است آیا خود آن سازمان مسئول است یا خیر؟ سازمان چریکها و هر شخص و گروه دیگری فقط تا وقتی مورد تائید و پشتیبانی من بوده اند که از مسیر خلق کرد منحرف نگشته و با وابستگی کشنده شده اند و قطعاً بعد از آن دیگر از تائید و پشتیبانی من من برخوردار نبوده و نخواهند بود.

درسخرانی ها و مباحثها و بیابانهای خود، بارها درباره مسئله وابستگی به امیربا لیسم و رژیم سفاک بعث عراق نظر خود را اعلام کرده ام و مجدداً اعلام میدارم که هرگونه وابستگی و سرسپردگی به امیربا لیسم و رژیم فاشیستی بعث عراق را که دشمن دیرینه خلق کرد است، محکوم مینمایم. در عین حال که دنباله روی و تسلیم طلبی در مقابل هیات حاکمه فدخلمی را نیز محکوم میکنم.

اما سازمان چریکها در ادعای مبارزه با وابستگی امیربا لیسم و رژیم بعث عراق ما دق نسبت وی اولاد را این مورد کل مبارزه با وابستگی را در نظر بردارید بلکه هدفش تنها لکه دار کردن جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای انقلابی کردستان است. تا نا حمله به وابستگی بعث عراق را فقط تا آنجا لازم می دانند که دستا له روی خود را رژیم فدخلمی جمهوری اسلامی را سرده پوشی کند. از نظر خلق کرد و خلقهای مبارز ایران هم وابستگی و هم سازگاری هر دو محکوم است. و هیچک از آنان حق ندارد مدعا کند که دیگری را واسله کسب آسروی خود کند بلکه در واقع این حق توده های خلق است که هر دو طرف را محاکمه و از صف خود طرد نمایند. درسرا وابستگی کسانی که خود را در اختیار رژیم بعث عراق گذاشته اند برای جنبش ما اندازه مضرو خطرناک خواهد بود که سازگاری در برابر رژیم حاکم و بسند و نسبت ما با بعثی عراق همان اندازه زیان بخش و محکوم است که سندوست با شهسی و دیگران.

سازمان چریکها، خلق کرد و خلقهای ایران را از لولوی پالیریا ن و اوسسی و خطر نفوذ مردوران بعث عراق و امیربا لیسم درسرا سدا تا ترانه استعمار حاکمیت فدخلمی جمهوری اسلامی راضی کند و ادعا می کند که در صورت ادا مه جنگ در کردستان امیربا لیسم و رژیم بعث عراق از آن اسفا ده میکنند پس با بهره زود تر سلاح را بر زمین گذاشت و جنبش مقاومت خلق کرد را در محضر رژیم ارتجاعی حاکم قربانی نمود. آنها مت قبول این واقعیت را ندارند که حتی اگر همه بست فطرتا ن جهان سخا هندا جنگ کنونی کردستان بفتح خود سواستفا ده کنند، گنا ها ز خلق کرد نیست و لطمه ای به حقانیت و عا دانه بودن جنبش مقاومت خلق کرد را در نخواهد آمد. بلکه گنا ه آن تنها به گردن هیات حاکمه فدخلمی است که این جنگ ظالمانه را با آنها تحمیل کرده است.

سازمان چریکها، تجربه کردستان عراق را به ما یادآوری میکند. ما خود اس تجربه را با گوشت و پوست احساس کرده و در نظر داریم، ولی آنها فراموش کرده اند که برخلاف دیکتاتور فئودالی و رهبانی فردی که بر جنبش کردستان عراق حاکم بود، در کردستان ایران طی یکسال و نیم گذشته دموکراسی با ایضا دوسیم وجود داشته است. تجربه دموکراسی وضعیت مبارزات و آگاهیهی خلق کرد در رابطه با مبارزات خلقهای ایران طوری نیست که اجازت بیقراری چنان دیکتاتوری و چنان رهبانی فردی که بقواتا جنبش را با انحراف یا

وابستگی یکشاید به کسی در کردستان ایران داده شود
خلق هشیار و قهرمان کرد!

کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد اینک در وضع بسیار حاسس و پیرا هستی قرار گرفته است. جنبش مقاومت توانائی خود را در برابر برهیا ت حاکمه نشان داده و شکست ناپذیری آن بر همه اشیا ت گردیده است. سلطت همین وزنی که جنبش مقاومت خلق کرد در صحنه مبارزات خلقهای ایران پیدا کرده است، اینک مسئله کردستان در محاسبات سیاسی ایران اهمیت بی - سابقه ای یافته است. بنا بر این مستوان گفت هر توطئه امیربا لیسستی و ارتجاعی که در ایران سیاه ده شود، بخش مهمی از آن بسرکوب مبارزات خلق کرد اختصاص خواهد یافت. ما بنا پیدا زاینگونه توطئه ها سترسیم بلکه با پیدایشی و ارتجاعی و یکبارگی خود را برای مقابله با هر توطئه ای حفظ کنیم.

سیاست تازه سازمان چریکها (اکثریت) درجهت ایجاد تفرقه و تزلزل در صفوف جنبش و نیروهای ملی و انقلابی کردستان بکار افتاده است. سکوشیم تا این سیمپاشها و تره ها سدا زیبا را با دقت و هشاری انقلابی حننی نمایم. تقویت و پیشبینی از جنبش مقاومت خلق کرد، و مبارزه با علقه هرگونه وابستگی و سازگاری برای ادا مه موجودیت خلق کرد و انقلابی مبارزات ضرورت حاتی دارد. ما هنوز درسرا غا ز مبارزه هستیم و در جستجوی طح واقعی همچنان به مقاومت مسلحانه خود ادامه میدیم. کاروان مبارزه به پیش می رود و در این راه تسلیم طلبان و فرصت طلبان از توده های انقلابی جدا میمانند و عدم همراهی خود را با مسطبه و جعلیات توحیه میکنند.

من در پیگاه خلق کرد و پیشمرگان قهرمان کردستان پسما ن خود را تجدید میکنم، که تا رسیدن به پیروزی آنها شی، سنگر جنبش مقاومت خلق کرد و صفوف مقصد پیشمرگان را ترک نکرده و تا جان در بدن دارم علیه امیربا لیسم و دشمنان خلق کرد و علیه هرگونه وابستگی و همجسین سازگاری درسرا برهیا ت حاکمه ارتجاعی مبارزه نمایم و از آنها ماتنا روا با کلی نداشتها شم.

من له تا نه و لومه و زنجیر و دارا کم نمیه
لهدت له تم که من، بمکوزن، هیستائولیم کوردم شم من
که رله برساتا وله رهبانی بهرگی شه ورور هق هالیم
نه که ری سیکانها که متا له سه ر مردم شم من
والسلام علیکم ورحمته الله - سیدعرا لدین حسینی

۵۹ / ۵ / ۱۸



مبارزه با امیربا لیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست